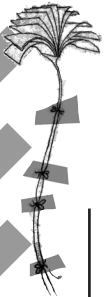


# خلاصه کتاب « آمریکا شناسی فراز و فرود یک امپراطوری »

نوشته دکتر حمید مولانا

کتاب نگار



## مقدمه

این کتاب می‌کوشد تا آمریکا را آنگونه که حقیقتاً هست، معرفی کند نه آنگونه که ما تصور کرده، حدس می‌زنیم و یا با رسانه‌ها و تصاویر ماهواره‌ای، اشیاء، ابزار و کالاهای ساخت آن کشور در مغزمان مجسم می‌کنیم. تصویر امریکایی‌ها درباره خود و کشورشان با تصویری که بسیاری از خارجی‌ها درباره آمریکا دارند، بسیار متفاوت است. بیشتر امریکایی‌ها خود را زحمت‌کش، پرکار، متوسط و معمولی می‌دانند و عقیده دارند؛ زندگی به نسبت مرفهی دارند و در سرزمین و نظامی آزادمنش زندگی می‌کنند. قشر گسترده‌ای از مردم و نخبگان این کشور، به مأموریت تاریخی آمریکا باور دارند.

## بخش اول: شناخت جامعه

### ضرورت باز تعریف امریکاشناسی

غرب‌شناسی و امریکاشناسی، امروز باید با درک کامل آفت‌های شرق‌شناسی، در یک ردیف عالی‌تر علمی و تجربی و در چارچوب یک معرفت‌شناسی نوین، تعریف شده و دنبال شود. این نوع غرب‌شناسی با چهار دوره همراه بوده است: دوره اول، دوره شیفتگی درباره غرب است. دوره دوم، دوره فریفتگی نسبت به غرب است که با سقوط سلسله قاجاریه و ظهور سلطنت پهلوی و گرایش ویژه و سریع به غرب شروع می‌شود. دوره سوم، مرحله بازندگی است. دوره چهارم، با سقوط سلطنتی و با پیروزی انقلاب اسلامی، سپس با فروپاشی شوروی آغاز می‌شود.

غرب‌شناسی در ایران، اکنون در این مرحله است دقیقاً در اینجاست که



موضوع رسانه‌ها مطرح می‌شود. امروزه، غرب‌شناسی، مانند اسلام‌شناسی در دستور کار عده بیشتری از سیاست‌گذاران قرار گرفته است. از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، آمریکا سهم بزرگی از اخبار و وقایع دنیا را به خود اختصاص داده است.

بیشتر اختراعات و توسعه فناوری‌ها و نظریه‌های مسلط امروزی در بسیاری از علوم، پرورش یافته دانشگاه‌ها و موسسه‌های آمریکایی است. و الگوی سرمایه‌داری آمریکا بر نظام جهانی تسلط داشته است. چگونه می‌توانیم این تصاویر آمریکا را از واقعیت‌های آمریکا متمایز کنیم؟ چگونه می‌شود شکاف بین اسطوره‌ها و حقایق را تبیین و توجیه کرد؟ آمریکا یک تاریخ و نظام کوتاه چندصدساله دارد و جمعیت مهاجر آن - که از نژادها، ملیت‌ها و ادیان مختلف به این سرزمین آمدند - مدت‌ها فاقد یک فرهنگ پایدار، مستقل و مشترک بود. جمعیت این کشور به سرعت افزایش یافته، منابع بزرگ طبیعی و ثروت اقتصادی یک حس نعمت و رفاه به مردم آمریکا می‌دهد. نظام آموزشی آمریکا، در نفوذ فلسفه اصالت عمل (پراگماتیسم) بوده و به این انزوای فکری کمک کرده است. این انزوای فکری، جغرافیایی، فرهنگی و آموزشی همراه با حس توسعه‌گرایی در تسخیر مرزهای نو با روش‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، تناقضی بزرگ در روانشناسی آمریکا و آمریکایی‌ها ایجاد کرده است. این تناقض در گفتار و کردار در بسیاری از رؤسای جمهور و نخبگان حاکم آمریکا از جمله جرج واشنگتن، جفرسون، ریگان و جرج دبلیو بوش در طول تاریخ مشهود است.

در یک قرن اخیر، دو موضوع تعجب مشاهده‌کنندگان (وضعیت آمریکا) را برانگیخته است. نخست کمبود اطلاعات، ناآگاهی و دانش آمریکایی‌ها از امور بین‌المللی و فرهنگ دیگران و دوم یکنواخت بودن افکار و جهان‌بینی آمریکایی‌ها به خود و کشورشان. برای درک این پدیده باید به تاریخ برخورد



امریکا با سایر تمدن‌ها و نیز نظام سیاسی اقتصادی، فرهنگی و همچنین زیرساخت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دینی، خانوادگی و نمادهایی توجه کرد که در طول تاریخ، مسیر جمهوریت، جامعه و نظام امریکا را هموار کرده است. در کشوری که از آزادی ادیان صحبت میشود و عرفاً سیاست را از دین جدا می‌داند.

بیشتر جمعیت امریکا از فرقه‌های مختلف مسیحی بنیان‌گذاری شده است. تولد حضرت مسیح (ع) تنها روز تعطیل رسمی مذهبی در تقویم امریکا است. سایر ایام تعطیلات مبنای تاریخی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دارد. آخرین پنجشنبه ماه نوامبر هر سال، روز سپاسگزاری و تعطیل عمومی امریکاست و امریکایی‌ها به جای سپاسگزاری از خدا، از نظام سرمایه‌داری سپاسگزاری می‌کنند. این جابجایی ذهنی اتفاقی نبوده، بلکه حاصل دگرگونی‌ها و تغییراتی است که در دو قرن اخیر به وجود آمده است. داستان برخورد امریکایی‌ها با تمدن‌های دیگر و مفهوم و اسطوره مقابل مفهوم تکثرگرایی یا پلورالیزم واقع شده و با آن تناقض دارد.

### کشف یا تصرف؟

حقیقت این است که امریکا را اروپایی‌ها کشف نکردند، زندگی سرخ‌پوستان بومی امریکا نیز بدوی و وحشی نبوده، بلکه براساس یک نظام با آرامش اجتماعی و همکاری‌های عشایری و طایفه‌ای تنظیم شده بود. سیاست اروپایی‌ها (انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، هلندی‌ها، اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها) نابودی تمدن‌های بومی این سرزمین بود.

### جنگ با مکزیک و اسپانیا

امروزه تعداد کمی در کالیفرنیا اطلاع دارند که این بخش از امریکا به مکزیک



تعلق داشته است. جنگ آمریکا با مکزیک به عنوان یک تجاوز و یک مصیبت ملی در کتاب‌های تاریخی مکزیک محفوظ است. در حالی که در کتاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌های آمریکا از این جنگ به عنوان الحاق داوطلبانه این ایالت‌ها به آمریکا یاد می‌شود.

پس از تهاجم اسپانیایی‌ها به مکزیک دومین تهاجم فرهنگی، تکنولوژیک و جغرافیایی به مکزیک، در اوایل قرن نوزدهم ابتدا به وسیله فرانسه و سپس آمریکا صورت گرفت. جنبه اقتصادی آن، قراردادهای بزرگ شرکت‌های آمریکایی با مکزیک و تسلط بر بازارها و کارگران ارزان و کم‌مزد این کشور است.

اما واقعه سومی که در رسانه‌ها و کتب تاریخی معمولی بدان توجه نمی‌شود، جنگ آمریکا و اسپانیاست.

### تاریخ و تمدن

تمدن، نوعی جامعه توسعه یافته توسط یک گروه، ملت یا منطقه در یک دوره از تاریخ است. آمریکای معاصر و نه آمریکای بومی، در قرون هفدهم و هجدهم میلادی، تمدن مشخصی نداشت. امروز وقتی نظریه پردازان درباره تمدن آمریکا صحبت می‌کنند، منظورشان تمدن شکل گرفته در دو سه قرن گذشته است، نه تمدن آمریکایی‌های اصیل و بومی. تمدن بومیان یا سرخ‌پوستان با وجود پیچیدگی و عمق نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنها و زندگی مادی و معنوی‌شان، موضوع‌هایی است که به عمد حذف می‌شود. صحبت از تمدن آمریکا بدون در نظر گرفتن این تمدن‌های اصلی، یک نوع ناپختگی است.

آرزوها، ایده‌ها و ارزش‌های متداول گروه‌های نخست مهاجران در چارچوب ارزش‌های مسیحیت و اروپا بود. ایالات آمریکا از سیزده ایالت تجاوز نمی‌کرد. چطور شد که در مدت کمتر از دو قرن، آمریکای معصوم به آمریکای استثنایی



و ابرقدرت متمدن امروز رسید؟

مشکلات بزرگ آمریکا از جنبه امنیتی از آغاز تا امروز بیشتر داخلی بوده است و نه خارجی. مصونیت از حمله‌های خارجیان موجب شده تا امریکایی‌ها درباره امنیت ملی، استثنایی بودن خود و کشورشان، رفاه و سعادت‌مندی و مأموریتشان در توسعه‌گرایی و جهان‌داری، دیدگاه و جهان‌بینی کاملاً متفاوتی با کشورهای دیگر دنیا داشته باشند. در آمریکا فردگرایی و آزادی در هم ادغام شده و مفهوم «استثنا بودن آمریکا» حس ملی‌گرایی ویژه خودگرایی را تشدید کرده است.

این نوع ناسیونالیسم نیز حس امپریالیستی و سلطه‌گرایی را تقویت نموده است. و باعث شد امریکایی‌ها کمر به نابودی زیبایی طبیعت و محیط زیست بستند. قدرت‌طلبی، مادی‌گرایی و جدایی دین از حکومت، خلأ معنوی بزرگی در جامعه آمریکا ایجاد کرد. تمدن امروزی آمریکا، ایدئولوژی آمریکا به صورت یک مذهب و روش زندگی، بخش مهمی از تمدن غرب را تشکیل می‌دهد.

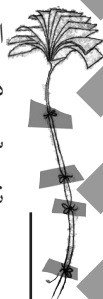
### بررسی نظام اجتماعی

درک ماهیت تمدن آمریکا بدون بررسی نظام اجتماعی آن که بر پایه تمدن صنعتی و نظام سرمایه‌داری بنا شده،

امکان‌پذیر نیست. در آمریکا، امریکایی بودن ناشی از محل تولد نیست. هرکس که ارزش‌های امریکایی را رد کند، امریکایی نیست.

اسطوره استثنایی بودن آمریکا با دو منشور و در دو جهت موازی با یکدیگر، در قرون نوزدهم و بیستم شکل گرفت و تقویت شد. این دو اصل که یکی سیاسی و دیگری روانی است، قسمت مهمی از ویژگی‌های تمدن معاصر و نظام امروزی آمریکا را بیان می‌کند:

۱. ایجاد بزرگترین نظام یکپارچه جدید ملت - دولت از ملیت‌های مختلف و



ادغام آنها در فرهنگ عمومی، سیاسی و اقتصادی آمریکا

۲. مأموریت آمریکا به عنوان یک نظام و آئین خدادادی و برتر.

بدین ترتیب پایه اصول‌گرایی آمریکا و منبع مشروعیت سلطه‌گرایی و یکی از مهمترین اصول سیاست خارجی و جهانی این کشور شد. تاریخ نشان می‌دهد که آمریکا در لشکرکشی‌های بین‌المللی، همیشه اصل مأموریت خدادادی خود را علیه شیطان و برای نجات دموکراسی عنوان کرده است. در دو قرن اخیر، آمریکا معنا و واژه آزادی را از ردیف فرد به ردیف ملی که در آن آمریکا به عنوان یک شخصیت محسوب می‌شود، بسط داده است.

از قدیم، روسیه و آمریکا در اعمال قدرت از طریق تصرف و بلعیدن کشورهای همجوار خود مشترک بودند؛ اما روس‌ها کمتر به همبستگی ملی جماهیر شوروی توجه کردند و بهای آن را در فروپاشی کمونیسم پرداختند.

تفاوت تمدن آمریکا با اروپا، در این بود که آمریکایی‌ها برعکس اروپایی‌ها در جذب و ادغام فرهنگی مستعمره‌های خود کوشیدند و با نفوذ و تهاجم فرهنگی، سعی کردند ریسمان وابستگی مرکز و حاشیه را محکم‌تر کنند.

امروزه، گرچه از نفوذ اقتصادی و مالی آمریکا در دنیا کاسته شده، اما به نفوذ صنایع فرهنگی، اطلاعاتی و انگاره‌سازی آن تا حدود زیادی افزوده شده است. درحالی که آمریکا یکپارچگی را در نظام خود تشویق و تقویت کرده و لازم می‌داند، ولی در صحنه جهانی، تک‌گرایی، پراکندگی و ملی‌گرایی سایر ملت‌ها

و کشورها از جمله اعراب، آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا را تأیید و حمایت می‌کند. ماهیت تمدن معاصر آمریکا را می‌توان در پنج مقوله خلاصه کرد:

۱. تمدن معاصر آمریکا در چارچوب مادیات و مادی‌گرایی رشد پیدا کرده است. بنابراین بیشتر به دنیا و پدیده‌های ملموس گرایش دارد تا به معنویت و ابعاد غیرملموس.

۲. تمدن معاصر آمریکا یک تمدن فن‌سالارانه، ماشینی و داده‌ای است که در آن



صنعت، اطلاع‌رسانی، دانش، هنر و معماری در خدمت سرمایه‌داری قرار دارد. ۳. تمدن معاصر آمریکا نتیجه تناقض و تعارض فردیت و فردگرایی از یک سو و خصلت پیروی و هم‌نوایی از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، آزادی فردی و مفهوم جامعه کثرت‌گرا با پدیده فرهنگ و جامعه توده‌ها ارزش‌گذاری شده است.

۴. تمدن معاصر آمریکا به استثنایی بودن آمریکا معتقد است، این تفکر به صورت مذهب و آئین ملی آن درآمده است.

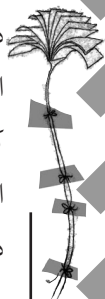
۵. تمدن معاصر آمریکا همچنین یک تمدن نظامی و جنگی است.

### دوتوکویل و دموکراسی در آمریکا

دوتوکویل نویسنده فرانسوی آزادی‌های وطنش فرانسه را با آمریکا در دهه ۱۸۳۰م مقایسه کرده است. نظریه او بر دو پایه استوار بود: نخست آنکه وی زمانی به آمریکا رفت که دموکراسی کشورش یعنی فرانسه، پس از انقلاب با دیکتاتوری، خفقان و هرج و مرج مواجه شد و شعار معروف انقلاب فرانسه «آزادی، مساوات و برادری» مفهوم خود را از دست داده بود. موضوع دوم که دوتوکویل را به تحیر واداشت، مقایسه نظام دولتی و اداری آمریکا با فرانسه و انگلستان بود.

موفقیت آمریکا، به خصوص در شیوه خودمختاری ایالتی او را به تمدن جدیدی علاقمند کرد که در این قاره شکل می‌گرفت. دوتوکویل با تیزبینی تشخیص داده بود که فردگرایی، آزادی و مساوات در آمریکا مجموعه کاملی نیست اواز اولین نظریه‌پردازانی بود که مادی‌گرایی و کثرت‌گرایی دهه‌های بعدی آمریکا، که مادر بردگی بود را پیش‌بینی کرد.

استقلال آمریکا بیش از هفتاد سال طول نکشید. و بدین ترتیب جنگ‌های داخلی آمریکا شروع شد. که در آن شش میلیون نفر، از جمله بسیاری از





غیرنظامیان، تلف شدند. و پس از آن آمریکا وارد یک دوره درخشان صنعتی و علمی شد.

بدین ترتیب نه تنها آمریکا تغییر یافت، بلکه نظریه استثنایی بودن آمریکا نیز سیر تکاملی خود را طی کرده و در حقیقت به صورت یک کیش و آئین ملی درآمد.

### مذهب امریکایی شدن

با آغاز قرن بیستم امریکایی شدن، به امپریالیسم آمریکا تغییر یافت و ایدئولوژی آمریکا، بدون آنکه امریکایی‌ها بدان اعتراف کنند، ایدئولوژی سرمایه‌داری شد. تمدن صنعتی آمریکا در نیمه دوم قرن نوزدهم و پس از پایان جنگ‌های داخلی، شروع می‌شود. مفاهیم خاص امنیت ملی و منافع ملی آمریکا در تفکر سیاست‌گذاران آمریکا جایگزین می‌شود.

شکسپیر می‌گوید: «دنیای صدف ماست». سال‌هاست که آمریکا ادعا می‌کند که اگر دنیا صدف است، تنها آمریکا می‌تواند مروارید آن باشد. اما این صدف همان است که شکسپیر می‌گوید: «صدفی که با خنجرم آن را باز خواهم کرد». این گفته، گرفتاری کشوری را نشان می‌دهد که می‌خواهد هم در دریای جهان شمولی و هم در صخره، قدرت و ضعف ارزش‌های خود را به دیگران تحمیل کند. بر اساس این اعتقاد اراده تغییر هرچیز در دست امریکاست و هرکس یک جزیره بیش نیست.. داستان صدف و مروارید، حس دوگانگی سیاست خارجی آمریکا را نسبت به خود و دنیا نشان می‌دهد.

تحولات دهه اول قرن بیست و یکم نشان داده است که گاه نیز این ترس وجود دارد که آمریکا در داخل استخوان نظام جهانی آسیب‌پذیر شود. آمریکا هنوز راه نجات از این احتمال دوم را پیدا نکرده است.

یک تمدن جدید؟



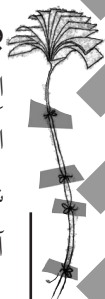
برخی از دانشمندان علوم بین‌الملل نیز از چندین نظام جهانی در گذشته و حتی حال یاد می‌کنند و از تمدن‌های مختلف نام می‌برند و ادعا دارند که اینگونه نظام‌ها در روزگاران کهن و ادوار باستانی نیز وجود داشته است. نظرات گروه نخست، آمریکا را یک تمدن جهانی مستقل از زمان و مکان می‌داند اما بنظر گروه دوم تقسیم دنیا، به مراکز اقتصادی فعال یک پدیده تاریخی است که به مدت پنج هزار سال ادامه داشته است. اگر تمدن را به معنای وسیعی به کار بریم، باید از سیاست و اقتصاد نیز صحبت کنیم. جمله معروف «وقت طلاست» شاید انعکاس‌دهنده این دیدگاه‌های اقتصادی به تمدن امروزی باشد.

### اقتصاد سرمایه‌داری

فروید بر این عقیده است که آمریکایی‌ها همه چیز دارند اما تنها هستند. آمریکایی وقت کافی برای ارتباط با خانواده را ندارد و یا بر اثر طلاق تنها زندگی می‌کند. آمریکایی‌ها به طور متوسط مذهبی هستند ولی نظام آنها غیردینی است. سالیانه بیش از دو هفته اجازه تعطیلات ندارند و از این جهت در بین کشورهای صنعتی در پایین‌ترین ردیف قرار دارند. آمریکایی‌ها هم عملگرا و پراکتیکال هستند و هم پیرو اخلاق، وجدان و صاحب عقیده در مسائل زندگی و روز. ولی بسیاری، همیشه در اضطراب و افسردگی به سر می‌برند.

### بی‌اطلاعی عمومی

آمریکایی‌ها اطلاعات مناسبی از تاریخ، جغرافیا و فرهنگ دیگران بویژه دنیای اسلام و مردم ممالک اسلامی و تاریخ کشور خود ندارند. رشد رسانه‌ها سبب شده است که توده مردم، به «تاریخ‌سازی آنی و لحظه‌ای» رسانه‌ها روی آورند. سیاست‌گذاران نیز دقیقاً به همین رسانه‌ها گرایش بیشتری دارند و



نتوانسته‌اند از رسانه‌ها خود را در امان نگاه دارند. مشارکت مردم آمریکا را در امور عمومی و نوع حکومت، مردم‌سالاری و دموکراسی ایالات متحده را باید در این چارچوب درک کرد. مفاهیم شیعه و سنی برای اولین بار به دنبال انقلاب اسلامی ایران به گفتمان‌های عمومی آمریکا و پس از چندین دهه به کتاب‌های درسی و دانشگاهی راه یافت.

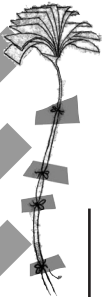
### دموکراسی یا دموکراسی؟

در دنیای غرب، نوع مردم‌سالاری با نظام حکومتی، دولتی و قانونی هر کشور مربوط است. اما نظریه‌هایی که در کتاب‌های درسی مطالعه با آنچه نظام‌ها و دولت‌ها عملی می‌کنند اغلب زمین تا آسمان متفاوت است. ما (در این نوشتار) با مردم‌سالاری و دموکراسی آمریکا، همانطور که هست برخورد می‌کنیم و نه آنگونه که ادعا و ارائه می‌شود.

### واقعیت دموکراسی در آمریکا

منظور آمریکایی‌ها، از ترویج دموکراسی جریان پولیاریکی یا آلیگارشسی است. با این تعریف، دموکراسی و مردم‌سالاری در آمریکا به محیط و دایره سیاسی محدود است و با تعاریف و عملکرد دموکراسی در یونان قدیم و آنچه در ادبیات این رشته به صورت ایده‌آل نوشته شده است، تفاوت کلی داشته و در قرن اخیر تا امروز مسیر سرایشی را طی کرده است.

امروز آلیگارشسی و پولیاریکی در آمریکا سعی دارد به گروه‌های پایین، جلوه مشارکت داده و بدین ترتیب عدم برابری در جامعه را مشروعیت بخشد. از این جنبه این نوع دموکراسی، بُعدی از اقتدارگرایی کلاسیک است. هدف اصلی آن، به دست آوردن کنترل و اعمال قدرت است و با نظریه دموکراتیک تناقض دارد. این تناقض بر این نکته مهم استوار است که نظریه مزبور، نخست



سعی دارد امور و فضای اجتماعی و اقتصادی را از جوانب و دایره سیاسی جدا کند و آنگاه، پس از مرحله دموکراتیک شدن، تلاش می‌کند تا وابستگی گسست‌ناپذیر بین دموکراسی و سرمایه‌داری را نشان دهد.

تفاوت دموکراسی مورد خواست دولتمردان، با دموکراسی عمومی در این است که امروزه تکیه و تأکید بر جریان دموکراسی است و نه بر نتایج حاصل از آن که اکثریت جای خود را به اقلیت داده، اقلیتی که با استیلاگری ادعا دارد که توافق اکثریت و عموم مردم را به وسیله جریان تحصیل کرده است. در گذشته، منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در چارچوب دولت‌های ملی و تجددگرا مورد توجه بود. که اکنون این اهداف در لوای جامعه مدنی مورد نظر صورت می‌پذیرد. هدف آن، تغییر بنیان و ساختار اجتماع نیست. هدف دیگر آن دموکراتیک کردن جامعه و نظام است. به پیروی از آثار یورگن هابرماس می‌توان گفت هدف اصلی آن پلورالیسم یا کثرت و تنوع دموکراسی و نهادهای مرتبط با آن است.

### فرمایش مشارکت مدنی

در دهه‌های اخیر کتاب‌های مربوط به پرهیزکاری و خصلت‌های پسندیده، تجارت سودآوری در آمریکا شده است. زیرا چنین ویژگی‌هایی در جامعه آمریکا رو به افول است. در سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۴ عضویت مردم در تشکل‌های مدنی ۱۰ درصد تنزل یافت. اعتماد افراد به یکدیگر و به سازمان‌ها و مشارکت مستقیم افراد در پروژه‌های آبادانی و عمرانی پایین است. مشارکت مدنی در آمریکا در پنجاه سال گذشته روند نزولی داشته است. نتایج سنجش عمومی نشان می‌دهد تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم مذهبی کلیساها تقلیل یافته و عضویت در سازمان‌هایی که حضوری نیست، افزایش یافته است. چه عواملی باعث افول دموکراسی و مردم‌سالاری در آمریکا شده است؟ توسعه



سیاسی، گسیختگی‌های اجتماعی، خانوادگی، مصرف‌گرایی و توجه به ظواهر زندگی، اشتغال بسیار به تلویزیون و ابزارهای تبلیغاتی، بی‌اعتمادی به دولت و فساد و سوءاستفاده‌های ملی پاسخ این سوال است. بدین ترتیب آمارهای رسمی و دولتی در آمریکا از افزایش قانون‌شکنی در جامعه صحبت می‌کند. و این شکاف اقتصادی در دو دهه اخیر عمیق‌تر شده است.

### بی‌عدالتی و بحران اقتصادی

براساس آمار مالیاتی، کمی بیش از ۵ درصد شهروندان آمریکا ۸۰ درصد ثروت کل این کشور را در دست دارند. در ۱۶ مارس ۲۰۰۸ وزیر خزانه‌داری آمریکا اعتماد خود را درباره اقتصاد آمریکا تکرار و تأکید کرد یعنی دو ماه بعد، خورشید اقتصاد آمریکا غروب کرد. مردم از خواب بیدار شدند و شنیدند که بانک‌های بزرگ و قدیمی و بیمه‌ای آمریکا ورشکست شده‌اند. بورس آمریکا ۴۰ درصد سقوط کرد و ارزش اوراق و سهام بورس‌های بزرگ دنیا به طرز چشمگیری کاهش یافت.

### پیش‌بینی بحران

من در مقاله‌ای با عنوان «رکود اقتصادی در آمریکا» ورشکستگی مالی و بانکی را پیش‌بینی کردم و نوشتم: «این کشور عملاً در یک حالت بحران اقتصادی به سر می‌برد». در تاریخ اقتصاد آمریکا همیشه یک فاصله ۳ تا ۶ ماهه بین واقعه اقتصادی و اعلام رسمی آن وجود داشته است. انعکاس بحران اقتصادی آمریکا در بین مطبوعات بسیار سطحی بود اما تأثیر آن در زندگی روزمره شهروندان بسیار عمیق بود.

جریان خصوصی کردن بی‌اندازه اقتصاد، فقدان نظارت دقیق دولت بر امور بانکی و مالی، یکی از دلایل اساسی این ریخت‌وپاش‌های اقتصادی



در امریکاست. امریکا با دولتی و ملی کردن بانکها و مؤسسه‌های بزرگ مالی وال استریت و با اختصاص دست کم ۷۰۰ میلیارد دلار پول از بیت‌المال مردم به نجات بانکها و بنگاههای ورشکسته مالی رفت. دولتی و ملی کردن موسسه‌های ورشکسته اکنون تناقض الگوی کاپیتالیسم و سرمایه‌داری امریکا را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، دموکراسی اقتصادی امریکا نیز یک نوع پولیاریکی و آلیگارش‌ی در دست عده‌ای محدود است.

### علل اصلی بحران

بحران اقتصادی تنها مالی و بانکی نبود، بلکه ابعاد سیاسی، نظامی و اجتماعی داشت (۱. طمع ۲. جهالت ۳. ترس). بدین ترتیب، دولت «بوش» که با بحران سیاسی روی کار آمده بود با بحران اقتصادی کنار رفت.

### دین و سیاست

#### جامعه سکولار یا جامعه دینی

امریکا در ظاهر ادعا دارد جامعه سکولار است. اما امریکایی‌ها بیشتر از اروپایی‌ها به کلیسا می‌روند. اجلاس کنگره امریکاهر روز با خواندن سطور از انجیل یا تورات آغاز می‌گردد همچنین از ۳۰۰ میلیون جمعیت امریکا، حدود ۵ میلیون یهودی و نزدیک به ۱۰ میلیون مسلمان هستند.

#### فرقه‌های مسیحیت در امریکا

فرقه‌گرایی مذهبی، بویژه در مذهب پروتستان، در امریکا بیش از سایر نقاط دنیاست. اصول‌گرایی مذهب پروتستان در آغاز قرن بیستم توسعه پیدا کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، فعالیت فرقه‌های پروتستان‌های امریکا - که اصول‌گرایی را شعار خود قرار داده بودند - شدت گرفت و یکی از کشیش‌های



آن به نام بیلی گرام به عنوان کشیش و دعاگوی چندین رئیس جمهور آمریکا به کاخ سفید راه یافت. جرج بوش و برخی هواداران دولت او از فرقه‌های متعدد بایست هستند. کاتولیک‌های آمریکا خود را وابسته به پاپ و تشکیلات او در واتیکان می‌دانند.

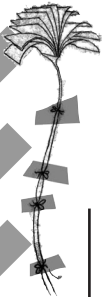
### نظام سکولار یا نظام دینی؟

در خارج مرزهای ملی، این طور جلوه داده شده است که آمریکا یک نظام و جامعه سکولار است. اما آغاز نظام امروزی آمریکا در حقیقت خود نتیجه یک کشمکش و جنگ مذهبی بوده است

یکی از مسائل اصلی در مبارزه‌های انتخاباتی، جایگاه دین و مذهب در سیاست و حکومت بوده است. دین و مذهب، مهمترین نقش را در انتخاب بوش به ریاست جمهوری ایفا کرد و رقبای جرج دبلیو بوش نیز سعی کردند تا با نشان دادن خود به عنوان مسیحیانی متدین از بقیه عقب نمانند. در جنگ‌های داخلی آمریکا، هر دو گروه یک نقطه مشترک داشتند؛ اینکه اراده خداوندی است که می‌خواهد مردم و ملت آمریکا را دوباره بیدار و آگاه سازد ال‌گور از بحران ائتلاف مذهب و سیاست در آمریکا سخن گفته است از آغاز پیدایش جمهوریت آمریکا، شعار «ما به خدا تکیه و اطمینان داریم» نه تنها بر اسکناس‌های آمریکا نقش بسته، بلکه شعار هر با بازیگر عرصه سیاسی در آن کشور است.

الهیات سیاسی جدید!

به عقیده کیوین فیلیپس الهیات سیاسی جدید با ریاست جمهوری بوش، گفتمان آمریکا با سایر نقاط دنیا را شکل داد. همان زمان بود که ژاک دلور رئیس سابق کمیسیون اروپا اعلام کرد: «کشمکش بین باورکنندگان و بی‌باوران، عامل اصلی روابط آمریکا با اروپا در سال‌های آینده خواهد بود.» ائتلاف دین و حکومت در مبارزه‌های انتخاباتی جیمی کارتر نیز مشاهده شد. کارتر نیز به



خوبی به احساس دینی و مذهبی مردم آمریکا و بویژه ایالت‌های جنوبی آشنا بود. در معرفی خود از «تولد مجدد و بازگشت به مسیحیت» سخن گفت. سه دهه طول کشید تا جناح‌های آمریکا منابع فرهنگی، دینی و مذهبی سیاست و حکومت را کشف کنند.

نگارنده، به خوبی به یاد دارد که چگونه دولت جیمی کارتر به توصیه و پیشنهادهای ما درباره اهمیت فرهنگ و دین و بویژه اسلام در روابط ملی و بین‌المللی کاملاً بی‌اعتنایی نشان دادند. و شعور و آگاهی سیاسی را نداشتند که به اهمیت اسلام، توجه کنند.

### مذهب و رقابت‌های سیاسی

در آمریکا رهبران دینی که محبوبیت و قدرت سیاسی داشته باشند، وجود ندارد. در حادثه ۱۱ سپتامبر به مدت تقریباً ۴۸ ساعت، هیچ رهبر دینی وجود نداشت که مردم را دلداری دهد. در سه دهه گذشته آمریکا دشمن واحد خود را که کمونیسم بود، از دست داده است و حاکمان و فرقه‌های مسیحی تندرو کوشیده‌اند مسلمانان را مورد هدف قرار دهند. اکنون کلیساها و فرقه‌های خاص مسیحی هستند که دو حزب سیاسی آمریکا را هدایت می‌کنند.





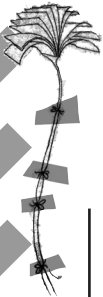
## بخش دوم: شناخت نظام

### رئیس جمهور، بالاترین مقام

در نظام آمریکا، مقامی بالاتر از مقام ریاست جمهوری نیست؛ وی با داشتن حق وتو نقش بسیار مهمی در نظام آمریکا دارد. در آمریکا، جدال درباره سیاست ها آزاد توهین، شک و تردید در مورد شخص رئیس جمهور و نهاد ریاست جمهوری، ممنوع و یک گناه بزرگ سیاسی است. شرکت‌ها و دانشگاه‌ها نیز کابینه دارند و مراسم تحلیف برگزار می‌کنند. چندی قبل جفرسون خاطرنشان کرد که استبداد کنگره آمریکا یک خطر بزرگ است و باید از آن هراس داشته باشیم، اما استبداد قوه مجریه نیز به نوبه خود در آینده فرا خواهد رسید. در سال‌های بعد، پیش‌بینی جفرسون به حقیقت پیوست و رئیس جمهوری آمریکا به یک مقام قدرت‌گرا و استبدادی عصر جدید مبدل شد.

### نظام و بحران‌های نامرئی

در انتخابات سال ۲۰۰۰ همراه با تخلف‌ها در رأی‌گیری مشروعیت رئیس جمهور را تنزل بخشید. و نظام رسانه‌ای مسلط بر آمریکا را زیر سوال برد. در آمریکا، کنگره کمتر در امور مطبوعات دخالت می‌کند. ثروتمندان و گروه‌های بانفوذ و شرکت‌های بزرگ، صاحبان اصلی رسانه‌ها هستند. اقتضای انتخاباتی و رسوایی سیاسی که در آن انتخابات آشکار شد، شاخصی از بحران‌های مرئی و نامرئی نظام آمریکا و دریچه‌ای از تحولات بس طولانی است که مدت دو قرن و شاید بیشتر، در حال شکل‌گیری بود. تا آن سال، مردم دنیا و بیشتر مردم آمریکا اطلاع نداشتند که اکثریت آراء عمومی، ملی و سراسری، ملاک انتخاب رئیس جمهور آمریکا نیست؛ بلکه این سهمیه و آرای منتسب به هر ایالت و نمایندگان حزبی است که سرنوشت و بردو باخت ریاست جمهوری را تعیین می‌کند.

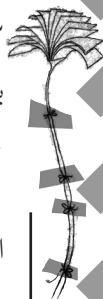


## قدرت نرم

یکی از مسائل دموکراسی در آمریکا این است که نخبگان نتوانسته‌اند در مفهوم قدیمی و سنتی خود در مورد قدرت، تجدیدنظر کنند. سیاست به طور کلی یک فعالیت فرهنگی است و منابع اصلی امروز قدرت، عبارت است از منابع و زیرساخت‌های غیرملموس یا قدرت نرم (ایمان، باورها، اعتقادات، ارتباطات انسانی و اقتدار معنوی) و نیز منابع و زیرساخت‌های ملموس یا قدرت سخت (نظامی، اقتصادی، جغرافیایی، طبیعی، جمعیتی و انرژی). در آستانه قرن بیست و یکم، کمبود منابع غیرملموس و نرم قدرت، بیش از هر زمان دیگر در آمریکا مشهود و حائز اهمیت بوده و ترازوی حکومت و فرمانروایی را متلاطم ساخته است.

عنوان قدرت غیرملموس یا قدرت نرم را، نگارنده برای اولین بار دهه ۱۹۷۰ مطرح و تبیین نمود. در دهه ۱۹۹۰ ژوزف نای استاد دانشگاه هاروارد، در آثار خود از آن استفاده کرد. تاریخ نشان می‌دهد که امپراتوری‌ها در شکست و افول خود، بزرگترین دشمن خود هستند. همه امپراتوریهای بزرگ از داخل نظام و به علت فرسودگی، تکبر و فساد، سقوط کردند. عوامل داخلی آسیب‌پذیری و ضعف نظام و جامعه آمریکا را می‌توان در ده مورد زیر خلاصه کرد:

۱. کاهش مشروعیت ریاست جمهوری
۲. انحصارگری دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات
۳. تضعیف دکترین تفکیک قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه و جناح بازی‌های سیاسی
۴. کنترل زندگی روزمره مردم با شرکت‌های عظیم مالی، بازرگانی و تبلیغاتی
۵. انگار سازی و کنترل افکار عمومی با رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی



۶. تناقض های حاصل از اقلیم گرایی و ملی گرایی امریکایی در پدیده جهان سازی
۷. افزایش فاصله طبقاتی و گسیختگی اجتماعی و نظام خانواده
۸. فزونی فساد، لهو و لعب و تخلف های اخلاقی
۹. تکبر و لجاجت نظام و نخبگان در رویارویی با اشتباه های گذشته و یاد نگرفتن و تطبیق ندادن خود با دنیا
۱۰. بت پرستی فناوری و مادیات، به عنوان مشکل گشای داخلی و خارجی در نظام امریکاکه دین و مذهب کشوری و ملی، به طور رسمی وجود ندارد و معنویت از سیاست و اقتصاد جدا شده است، مصرف گرایی، مذهب ملی شهروندان این سرزمین به شمار می آید. جنگ تسلط بر مرزهای جدید یکی از ویژگی های ملی و تاریخی امریکا بوده و نقش مهمی در بسیج و اتحاد ملی داشته است. چون جنگ بدون دشمن وجود ندارد، امریکا همیشه در جستجوی دشمن بوده است بنابراین حفظ امنیت و مبارزه با تروریسم جبهه های جدید امریکا شده است.

### ماهیت رسانه های امریکا

رسانه های امریکا کارکردهای اجتماعی زیر را در جامعه ایفا می کنند:

۱. تبلیغ نظام، اشاعه و ترویج سیاسی ارزش ها و دفاع از آن
۲. بسیج مردم به وسیله اطلاع رسانی و آگاهی در امور مصرفی، اقتصادی و سرمایه داری.
۳. اشغال بیشتر وقت مردم با محتوا و برنامه های خود، در حصول به دو کارکرد اولیه.

ظهور، سقوط و ثبات نظام مطبوعاتی و رسانه ای امریکا یک منحنی وابستگی اقتصادی و سیاسی را دنبال می کند. همچنین اعضای کنگره، بازیگران و دلالتان سیاسی بوسیله رسانه های با



اعمال نفوذ مشروعیت سیاسی و انتخاباتی می‌یابند.

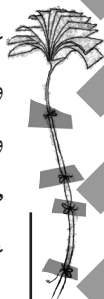
## ساختار دوقطبی قدرت

امروزه نظام امریکا فاقد یک مقام معتبر ملی مستقل است که اقتدار معنوی و مشروعیت سیاسی داشته و در اختلاف‌ها و درگیری‌های احزاب و جناح‌ها میانجیگری کند. گروه روحانیان و رهبران مذهبی نفوذ قابل توجهی در نظام امریکا ندارند. در عمل این سه نهاد اصلی قوای مقننه و مجریه و قضائیه را دو حزب انحصار طلب و مسلط در اختیار دارند. که کنترل قوه قضائیه را به صورت غیرمستقیم و مستقیم در دست داشته و عملاً استقلال این رکن و قوه حکومت را زیرسوال می‌برند. نمود این مساله در انتخابات ۲۰۰۰ و انتخاب بوش قابل مشاهده است.

## احزاب سیاسی

### اسطوره دو کلیسای سیاسی

دو حزب دموکرات و جمهوری خواه به دست یک گروه مشخص و محدود - که از دلالت و بازیگران سیاسی تشکیل شده‌اند - اداره می‌شوند و اکثریت قریب به اتفاق مردم امریکا جز تمایل ظاهری به این احزاب در زمان انتخابات، نقش مهمی در مشارکت سیاسی و کارکرد و برنامه‌ریزی آنها ندارند. این دو حزب کارت عضویت برای کسی صادر نمی‌کنند و هیچ‌کس حق اشتراک و عضویت پرداخت نمی‌کند. این احزاب حتی به جز در مواقع انتخاباتی، ستاد و ساختمان مخصوصی ندارند و مردم امریکا حتی نمی‌دانند چه کسی دبیرکل و چه کسانی جزء هیئت اجرایی و کمیته‌های ویژه آنهاست. این دو حزب به صورت دو جریان سیاسی و فکری ذاتاً نامرئی ولی به ظاهر فعال است افکار عمومی چاره‌ای جز انتخاب یکی از این کاندیداهای دو حزب برای خود



پیدا نمی‌کنند. برخی نویسندگان معتقدند که در حقیقت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها دو جناح یک حزب واحد در آمریکا هستند.

این انحصارگری و تنگناها در تشکل‌های سیاسی و حزبی ایالات متحده آمریکا باعث شده است که مردم آمریکا به هردو حزب بدبین و مظنون باشند و در سال‌های اخیر کوشش برای تأسیس حزب جدید یا حزب سومی - که خارج از محیط ایدئولوژیک کنونی باشد - از یاد رفته است.

### تاریخچه احزاب سیاسی

احزاب سیاسی در اروپا و آمریکا یک پدیده نسبتاً جدید بوده و تاریخ کوتاهی دارد. تأسیس احزاب سیاسی در غرب بیشتر به علت کنترل افکار عمومی به وجود آمد و نه الزاماً برای مردم‌سالاری و دموکراسی. بحث بسیار مهم بین توماس جفرسون و همیلتون در زمان ریاست جمهوری جرج واشنگتن پیرامون جایگاه قدرت و قانون اساسی صورت گرفت و این، پایه شرکت احزاب سیاسی آن زمان در انتخابات ملی آمریکا شد. تاریخ پیدایش احزاب اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی است. در دهه‌های اخیر، اعتماد مردم و احزاب روند نزولی را طی کرده است.

### علل افول احزاب

۱. در دیدگاه افکار عمومی، احزاب سیاسی ابزار نفاق است نه وسیله اتحاد.
۲. احزاب اصول اخلاقی، شرعی و عرفی را زیر پا می‌گذارند.
۳. احزاب سیاسی فاقد برنامه‌های مشخص و راه‌حل‌های واقعی هستند.
۴. احزاب سیاسی خود در فساد شخصی و گروهی غوطه‌ور هستند.
۵. احزاب سیاسی با پشتیبانی بنگاه‌های اقتصادی، ارتباطات انسانی را به دادوستد کالا و آگهی تبدیل کرده‌اند.



۶. گسترش اینترنت، انحصار بسیج افراد را برهم زده و افراد و گروههای مختلف با تکیه بر این شبکه‌ها و سازمان‌های سنتی، با احزاب رسمی و قدیمی سیاسی به رقابت برخاسته‌اند.

۷. احزاب مردمی نیستند و از طرف مردم به وجود نیامده‌اند.

۸. رهبری احزاب، فاقد اقتدار رهبری معنوی بوده و محبوبیت آنها به این دلیل از میان رفته است

### بحران حاکمیت

اختلاف بین ریاست جمهوری و کنگره از یک سو، و احزاب از سوی دیگر، نزدیک به سه هفته منجر به تعطیلی اداره‌ها و نارضایتی مردم شد. (نشانه‌ای از اختلاف قوا در آمریکا بود). نظریه مدرن حاکمیت عقیده داشت که این جدایی و استقلال نسبی ارکان دولت، باعث به هم ریختگی و حتی پاشیده شدن حکومت می‌شود.

نظام آمریکا یکی از نظام‌های سیاسی است که چنین رقابت‌هایی در مسائل حاکمیت هنوز در آن ادامه دارد و قدرت نهایی در بسیاری از موارد به خصوص سیاست داخلی، چندان مشخص نیست. نتیجه اینکه نظام کنونی آمریکا جنگ و جدال همه، علیه همه شده است. چنین رکن حاکمیتی به نظر این کارشناسان، نیابد به دست ریاست جمهوری داده شود؛ زیرا خطر حکومت فردی و دیکتاتوری را بوجود خواهد آورد. اما در غیبت یک مقام معنوی و سیاسی مورد اعتماد مردم، این قدرت عالی به چه رکن یا ارکانی باید اختصاص داده شود؟

### امپراطوری و پیوندهای میان فرهنگی

در چند دهه اخیر آمریکا مرکز پس‌انداز و ثروت ملیت‌های خارجی شده



است. اکنون ۱۵ درصد کل کار و حرفه آمریکا در دست مهاجران جدید است این گروه از جنبه درآمد، تحصیلات و رشته‌های حرفه‌ای به مراتب از افراد و شهروندان متوسط آمریکا پیش‌تر هستند. بحران و تناقض‌های درونی امروزی جوامع غرب و آمریکا را می‌توان در تحولات اجتماعی، مشاهده کرد.

### بحران معنویت و آگاهی

در سال‌های اخیر پیش از هر زمان دیگر رهبران مذهبی، در سیاست روز دخالت کرده و در مقابل سیاست‌گذاری‌های دولت جبهه‌گیری کرده‌اند. از طرفی ازدیاد مادی‌گرایی، توازن جامعه آمریکا را دگرگون نموده و در سال‌های اخیر، معنوی کردن جامعه آمریکا هدف اصلی عده زیادی از نویسندگان، بوده است. اگر آگاهی و سواد از مسائل سیاسی، مملکتی و مشارکت در انتخابات عمومی را نمودارهای مهم و مؤثر یک جامعه مدنی بدانیم، شاخص‌ها و مقیاس‌های اخیر در وجود و افزایش این عوامل در آمریکا چندان به نظر نمی‌رسد.

### تاریخچه انتخابات ریاست جمهوری

امروز گرچه مردم آمریکا مستقیماً در هر ایالت برای انتخاب رأی می‌دهند، ولی سهم هر ایالت در کالج انتخاباتی با جمعیت و اندازه نفوس آن ایالت ارتباط دارد. ایالت‌های پرجمعیت آمریکا، نقش بزرگ‌تری ایفا می‌کنند. در طول تاریخ جمهوری آمریکا هیچ کاندیدای مستقل یا خارج از این دو حزب اصلی نتوانسته است به کاخ سفید رخنه کند. نمایندگان مجلس سنا در کنگره آمریکا از هر ایالت همیشه دو نفر بوده و ثابت است. شهر واشنگتن که نهاد ریاست جمهوری و کاخ سفید، وزارتخانه‌ها و اداره‌های دولت فدرال،



کنگره آمریکا و دیوان عالی کشور در آن مستقر است به هیچ یک از ایالت‌ها تعلق ندارد. امروز از هر سیصد و پنجاه شهروند آمریکایی، یک نفر (که ساکن واشنگتن است) حق شرکت در کنگره یعنی قوه مقننه را ندارد، ولی ساکنان و شهروندان واشنگتن مانند هر شهروند دیگر آمریکایی موظف هستند مالیات خود را پرداخته و به خدمت سربازی بروند. این امر یکی از جوانب غیر مادی و غیر دموکراتیک سیستم سیاسی امریکاست. جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از هر انتخابات دیگری پرسروصداتر است. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا امروز با شیوه‌های کنترل آراء و عقاید شهروندان همراه شده است.

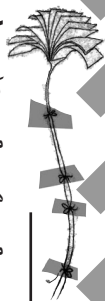
### کنوانسیون حزبی

بر اساس نظریه سنتی دموکراسی در آمریکا، کنوانسیون حزبی باید برای بحث و مناظره، برنامه‌ریزی و تعیین اهداف ملی و رقابت نامزدهای ریاست جمهوری عمل کند. ولی مدت‌هاست که این رقابت از بین رفته و نامزدهای ریاست جمهوری نه تنها محدود شده‌اند، بلکه وقتی نمایندگان حزبی وارد سالن کنوانسیون می‌شوند، نامزد رسمی ریاست جمهوری قبلاً برای آن‌ها انتخاب و تعیین شده است.

### سازمان‌های اجتماعی

#### کلمبوس و بومیان

کلمبوس در خاطرات خود می‌نویسد: «ما هرچه از بومیان می‌خواستیم به ما می‌دادند. آنها حاضر بودند در همه چیز خود، ما را شریک کنند. ولی او به جای همکاری با بومیان، پنجاه نفر از آنان را در کشتی خود زندانی کرد تا او را به منابع طلا هدایت کنند!





## فراموشی جنایت‌های کلمبوس

اسارت بومیان و تجارت بردگی، آثار چشمگیری بر جامعه و مردم این سرزمین برجای گذاشت. این قسمت از کشتار بومیان به فراموشی سپرده شده است. جالب اینکه تمام فجایع اتفاق افتاده در تاریخ پانصدساله تمدن غرب، با شعار پیشرفت و به نام ترقی صورت می‌گیرد.

نخبگان گروه مسیحی پروتستان (نخستین مهاجران انگلیسی به قاره آمریکا) بیشتر از هر گروه دیگر، طرفدار جنگ با سرخ‌پوستان بودند. در آن هنگام حکومت بومیان نوعی کنفدراسیون بود که همبستگی و وابستگی خویشاوندی، طایفه‌ای و قبیله‌ای اساس آن را تشکیل می‌داد. قدرت در بین گروه‌های مختلف تقسیم شده بود و زن و مرد تساوی اجتماعی و اقتصادی داشتند.

## بردگی و برده‌داری

در سال ۱۹۱۶ بنا به یک سند و آمار تاریخی بیش از یک میلیون برده سیاه‌پوست آفریقایی وارد قاره آمریکا شدند و جمعیت سرخ‌پوستان، به علت زدوخورد و جنگ و کشتار، ۵۰ درصد تقلیل یافت. در سال ۱۸۰۰م. بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون برده آفریقایی در آمریکای شمالی خدمت می‌کردند. تمام رؤسای جمهور اولیه آمریکا از جرج واشنگتن و توماس جفرسون گرفته تا آبراهام لینکلن صاحب برده‌های سیاه‌پوست بودند.

## تبعیض نژادی

آبراهام لینکلن فرمان آزادی برده‌های سیاه‌پوست را صادر کرد، اما تبعیض نژادی ادامه یافت. شورش و قیام سیاه‌پوستان و برده‌های آمریکا، به تدریج فرهنگ، مذهب، هنر، موسیقی و ادبیات سیاه‌پوستان آمریکا را بوجود آورد. نظام تبعیض نژادی تا اوایل دهه ۱۹۵۰ ادامه داشت و هیچ دانشجوی سیاه‌پوستی،



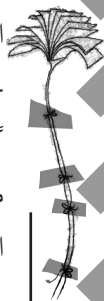
حق ورود به دانشگاه‌های سفیدپوستان را نداشت.

### اروپایی‌ها و استعمار

سال ۱۶۷۶ گروهی از مهاجران با کمک سیاه‌پوستان شورش کردند. این قیام که به شورش بیکن معروف است، سرکوب شد. این شورش دو نتیجه تاریخی در تاریخ استعمار انگلیس در آمریکا داشت تشدید سرکوب سرخ‌پوستان و نابودی آن‌ها و دیگری سرکوب و کنترل طبقه زحمت‌کش مهاجران بود. سیستم اجتماعی آمریکا در زمان استعمار به یک نظام فئودالیستی نزدیک بود طبقه نخبگان سفیدپوست مهاجر کاملاً بر طبقه کارگر تسلط داشتند. در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ عقاید آزادی‌خواهی و لیبرالیسم در آمریکا ریشه پیدا می‌کرد. قانون اساسی که توسط جان‌لاک نوشته شد آغاز نوع لیبرالیسم و دموکراسی زیر نفوذ ارزش‌های صادر شده از انگلستان است.

### اندیشه‌های آزادی‌خواهی

مجموع جمعیت تمام ایالت‌های آمریکا در سال ۱۷۰۰م. حدود ۲۵۰ هزار نفر بود و این رقم در سال ۱۷۷۰م. به یک میلیون و ششصد هزار نفر افزایش یافت. اعلامیه استقلال و آزادی آمریکا که تقریباً همزمان با انقلاب فرانسه اعلام شد از جمله‌های معمول و سیاسی آن روز صحبت می‌کند. این اعلامیه روی سه موضوع تکیه داشت: زندگی یا حیات؛ آزادی؛ خوشبختی و سعادت. اصولاً بسیاری از افکار و اندیشه‌های آزادی‌خواهی، همچون بسیاری از الفاظ و جمله‌های لیبرالی مطلوب آن زمان، از ادبیات و اندیشه‌های سیاسی سرچشمه گرفته است. متفکران و فلاسفه قرن‌های سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم که در مدارس و دانشگاه‌های اسلامی اندلوس اسپانیا و سایر نقاط از مصر گرفته تا ایران آموزش دیده بودند، حقوق و مبانی اسلامی را که به همه انسان‌ها و



بشریت تعلق داشت، در نوشته‌ها و آثارشان وارد کردند. واژه ملت اروپا پس از انقلاب فرانسه در آن قاره معمول شد و رواج پیدا کرد. واژه مردم یعنی همان «الناس» اسلامی، در بیشتر اعلامیه‌های قبل از ناسیونالیسم ذکر شده است. واژه ملت، سال‌ها بعد وارد لغت‌نامه سیاسی ایالات متحده شد. فلسفه اعلامیه استقلال آمریکا، از نوشته‌های جان لاک اقتباس شده است. در حقیقت، هدف اصلی فلاسفه سیاسی لاک، حمایت از مالکان و خرده سرمایه‌داران و توسعه افکار جدید سرمایه‌داری مدرن آن روز بود. انقلاب انگلستان و انقلاب فرانسه، بدون شک مردم‌سالاری عمومی طبقه ثروتمند و متوسط در اروپا و آمریکا ترویج داد، اما آن را منحصر به یک نوع نژاد اختصاص نمود.

### استقلال آمریکا

انقلاب و استقلال آمریکا آغاز رسمی جدایی دولت از کلیسا یا دین و مذهب بود و تغییری در ساختار طبقاتی آمریکا ایجاد نکرد، طبقه ثروتمند در زندگی و ثروت خود تغییری به وجود نیاوردند.

در سال ۲۰۰۲ گاوین منزیس افسر نیروی دریایی انگلستان با ارائه پاره‌ای مدارک، نشان داد که نیروی دریایی چینی‌ها در مارس ۱۴۲۱ یعنی ۷۰ سال قبل از کریستفر کلمبوس با ناوگان خود قاره آمریکا را کشف کرده است.

### جامعه مسلمانان در آمریکا

#### نگاهی آماری

در نیم قرن پیش، جامعه‌شناسان غرب فکر نمی‌کردند که اسلام به قدرتی بزرگ در سیستم بین‌المللی تبدیل شود. بر اساس آمار دولت آمریکا بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۹۷ م. حدود ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از کشورهای مسلمان به



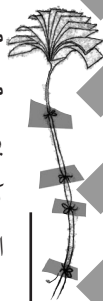
امریکا مهاجرت کردند و این فقط ۵ درصد از کل مهاجران ۶۴ میلیونی در این سال‌ها به آمریکا بوده است. امروز جمعیت مسلمان در آمریکا حداقل ۶ میلیون نفر و حداکثر تا ۹ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

### مسلمانان و کشف آمریکا

فرضیه معتبری که از سوی برخی تاریخ‌نویسان و دانشمندان ارائه شده، نشان می‌دهد حداقل دو قرن قبل از کشف قاره آمریکا توسط کلمبوس، مسلمانان شبه‌جزیره اسپانیان و قاره آفریقا موفق شدند به قاره آمریکا دست یابند کشف قاره آمریکا با دو روند تاریخی در دنیای اسلام همراه بود، تضعیف سلسله صفوی و تضعیف امپراتوری‌های عثمانی و تسلط دریایی، به ویژه در اقیانوس‌های اطلس و کبیر به اسپانیا، پرتغال، انگلستان، فرانسه و هلند انتقال پیدا کرد.

### مراحل مهاجرت مسلمانان

اولین گروه مهاجران مسلمان پس از پایان جنگ‌های داخلی آمریکا و دومین مهاجرت پس از جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری عثمانی صورت گرفت. مرحله سوم در دهه ۱۹۳۰ بود که به مسلمانان مقیم آمریکا اجازه داد شد تا بتوانند اعضای فامیل و خانواده خود را نیز برای مهاجرت به آمریکا دعوت کنند. مرحله چهارم از پایان جنگ جهانی آغاز و تا دهه ۱۹۶۰ ادامه پیدا کرد. مرحله اخیر از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز شده و تا امروز نیز ادامه دارد. برخلاف محدودیت‌های وقایع ۱۱ سپتامبر، تعداد مهاجرت مسلمانان به آمریکا افزایش یافته است. در اواسط دهه ۱۹۷۰ تعداد ایرانیان از ۷۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد که بیش از ۵۰ هزار نفر آن‌ها را دانشجویان تشکیل می‌دادند. اکنون تعداد ایرانیان مقیم آمریکا نزدیک به یک میلیون نفر است.



## جامعه شیعیان

از ۱۰ میلیون مسلمان در آمریکا، نزدیک به ۲ میلیون نفر شیعه مذهب هستند که نزدیک به یک میلیون نفر آنان ایرانی اند.

## جامعه سیاه‌پوستان

جامعه سیاه‌پوستان آمریکا حساسیت و گرایش بسیاری به اسلام و مسلمانان پیدا کرده‌اند نفوذ اسلام در بین سیاه‌پوستان آمریکا در چند دهه اخیر، از همه ادیان و مذاهب دیگر بیشتر بوده است.

## سازمان و تشکل‌های مسلمانان

تشکل‌های مسلمانان آمریکا بر دو نوع است. سازمان‌ها، که فراسوی دایره ملیت، قومیت و عضویت کشور بخصوصی است و سازمان‌ها و مراکزی که ویژه یک کشور است. شورای روابط امریکایی - اسلام از نوع اول و مرکز جامعه عرب برای خدمات اقتصادی و اجتماعی از نوع دوم است. جامعه مسلمانان شامل تمام مذاهب اسلامی از جمله حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و جعفری اثنی‌عشری بوده و فرقه‌های مختلف مانند اسماعیلیه، احمدیه و... تشکیلات و فعالیت‌های ویژه خود را دارند.

بیش از ۱۲۰۰ مسجد در شهرها و ایالت‌های مختلف آمریکا پایه‌گذاری شده است. مدارس مذهبی، از یک هزار بیشتر است. از تشکل‌های فعال مسلمانان جامعه اسلامی امریکای شمالی است. دیگر تشکل‌های مسلمانان در آمریکا از جمله شورای امور عمومی مسلمانان و اتحادیه مسلمانان امریکایی، هستند.

## وضعیت اجتماعی و اقتصادی

حد متوسط آموزش و پرورش و تحصیل در بین مسلمانان چهارده سال بوده



که نسبت به سایر نژادها و اقلیت‌های مهم آمریکا در سطح بالاتری قرار دارد. درآمد یک خانواده مسلمان در آمریکا بالاتر از درآمد یک خانواده اقلیت اسپانیایی‌زبان و سفیدپوست است. درآمد سالیانه یک فرد مسلمان (۵۰ هزار دلار) بیش از درآمد متوسط یک فرد آمریکایی (۴۹ هزار دلار) است. درآمد ایرانی به طور متوسط در آمریکا از ۶۵ هزار دلار تجاوز می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، درآمد، مالکیت خانه و درجه تحصیل مسلمانان سال به سال در حال افزایش است. نظرسنجی نشان داد مسلمانان یک گروه فعال سیاسی بوده‌اند؛ به گونه‌ای که ۹۵ درصد آنان در انتخابات ملی نام‌نویسی کرده‌اند و بیشتر مسلمانان عقیده دارند که وضع کنونی، بهترین موقعیت را برای گسترش اسلام در آمریکا فراهم آورده است. اکنون ۵ درصد جمعیت اروپا را مسلمانان تشکیل که ۲۰ میلیون نفر هستند. افزایش جامعه مسلمانان در آمریکا، فرصتی برای درک و شناخت چالش‌های دنیای معاصر بوده و همچنین زمینه مناسبی است که اسلام، در درون بزرگترین ابرقدرت نظامی و اقتصادی امروز جهان ایفای نقش کند.

### دموکراسی آمریکا لایحه حقوق مردم

همزمان با آغاز جمهوری آمریکا نوشتن قانونی اساسی آن، مورد اختلاف نظر فدرالیست‌ها با مخالفان دولت فدرال است. سرانجام بر این امر توافق کردند که در دموکراسی، شرکت اکثریت به طور مستقیم در همه امور مصلحت نیست و رقابت همراه با همکاری باید بین دولت‌های ایالتی و دولت مرکزی ادامه یابد. مالکیت و آزادی بیان

در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا، عبارت «زندگی، آزادی، سعادت و خوشبختی» ولی در قانون اساسی این عبارت به زندگی، آزادی و مالکیت



تبدیل می‌شود در قانون اساسی آمریکا، تناقض در آزادی بیان، به خوبی آشکار است. کنگره آمریکا حق تصویب لوایحی که با آزادی بیان و مطبوعات منافات داشته باشد را ندارد. اما لایحه (ضد) تفرقه‌آفرینی و آشوبگری که نوشتن و گفتن هرچیزی علیه نظام، دولت و رئیس جمهور را که دروغ، فسادانگیز و بداندیشانه باشد، ممنوع و غیر قانونی اعلام کرد.

همچنین دولت آمریکا حق سانسور و کنترل قبلی گفتار، نوشتار و مطبوعات را ندارد، اما در صورت لزوم و نقض قانون، می‌تواند پس از انتشار و گفتار، افراد و سازمان‌های مربوط را به دادگاه کشانده و علیه آن‌ها اعلام جرم کند. یکی از دلایل مهم و اصلی تأسیس ایالات متحده آمریکا آن بود که آمریکا از جنبه جغرافیایی، مساحت، سیاست و اقتصاد به اندازه‌ای بزرگ و متحد گردید که در آینده بهانه و فرصتی برای جدایی و استقلال هریک از ایالت‌ها خارج از نظام فدرال امکان نداشته باشد.

### محرومیت زنان

زنان در جامعه نخستین آمریکا چندان منزلتی نداشتند... در مزارع و کارخانه‌ها با حقوق پایین‌تر از مردان و به عنوان شهروندان درجه دوم مشغول به کار بودند. برعکس، مقام و منزلت زن در بین بومیان و سرخ‌پوستان آمریکایی بسیار بالا و در جامعه هم‌ردیف و همسان مردان بود و از حقوق مساوی با مردان بهره‌مند بودند و ورود اروپایی‌ها به قاره آمریکا این توازن و تساوی حقوق مرد و زن را بر هم زد. جایگاه زنان را به شهروندان درجه دوم تنزل داد.

تعصب گروه مسیحیانی این تبعیض‌های جنسی را دامن زد. جفرسون در یکی از نامه‌های خود می‌نویسد آموزش زنان باید بیشتر در مورد موضوع‌هایی مانند رقص، نقاشی و موزیک باشد. در قرن نوزدهم، ورود زنان به دانشگاه‌ها مشکل بود تا امروز هیچ زنی به مقام ریاست جمهوری آمریکا و یا معاونت ریاست



جمهوری انتخاب نشده است.

### کوچ اجباری بومیان

گاهی آمار گویای حقیقت است. سال ۱۸۴۰ ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار امریکایی، وارد امریکای شمالی شدند. ولی حدود دو دهه بعد. فقط ۳۰ هزار نفر از آنان باقی مانده بودند. بیشتر سرخ‌پوست‌ها به اجبار از سرزمین‌های خود رانده شده و به سوی غرب قاره امریکا مهاجرت کرده بودند. در سال ۱۸۰۳ جفرسون سرزمین‌های لوئیزیانا را از فرانسوی‌ها خریداری کرد و امریکا توسعه یافت. و در سال‌های ۱۸۱۲ تا ۱۸۲۴ جکسون با کشتن هزاران سرخ‌پوست امریکایی در ایالات جنوبی امریکا، موفق شد سرزمین فلوریدا را به امریکا ملحق کند و در سال ۱۸۴۸ امضای قرارداد الحاق کالیفرنیا و سایر ایالت‌های مکزیک به امریکا از سوی کنگره امریکا تصویب و امضا شد.

### دوگانه استبداد و دموکراسی

در اندیشه بسیاری از امریکایی‌ها بزرگترین چالش عصر مدرن، اختلاف و رویارویی بین دموکراسی و استبداد بوده است. که به امریکایی‌ها آموخته است که دموکراسی، بهترین نظام سیاسی برای امریکا و تمام جوامع دنیاست. آنها دموکراسی را دوست داشته ولی درباره معنای آن چیزی نمی‌توانند بیان کنند. با مطالعه تاریخ امریکا در می‌یابیم که مؤسسان جمهوری امریکا با آگاهی کامل، مخالف نظام دموکراسی بودند. جای تعجب نیست که چارچوب حکومت امریکا بر مبنای تأسیس نهاد بسیار قوی و قدرتمند ریاست جمهوری (به جای سلطنت و پادشاهی) مجلس ریش‌سفیدان و اشرف‌سالاران ملی (یعنی مجلس سنا) و مجلس نمایندگان مردم از ایالت‌ها، شهرها و حومه‌های انتخاباتی پایه‌ریزی شده است.





## استبداد دموکراسی

از دیدگاه دوتوکویل دموکراسی می‌تواند در شرایطی به استبداد اکثریت منتهی شود. و وقتی در مورد دموکراسی آمریکا سخن می‌گوید، نقطه اتکای وی، مقایسه دموکراسی با اشراف‌سالاری است. او دو گرایش کاملاً متضاد در دموکراسی آمریکا مشاهده کرد. یکی گرایش به مساوات و آزادی و دیگری، گرایش به فردگرایی و استبداد فکری برای رسیدن به منافع شخصی است. وی در جلد دوم کتاب خود، از «دموکراسی نرم» نام می‌برد. در این نوع دموکراسی هریک از شهروندان به منافع خود می‌اندیشد و از منافع جامعه و دیگران بی‌خبر می‌ماند.

## بخش سوم: شناخت فرهنگ

### فرهنگ و نخبگان

### شکوفایی ملی

دوران شکوفایی آمریکا در دهه ۱۹۵۰ بود. این دوره، اوج دوران غرور و خودپسندی آمریکاست. در این شرایط مفهوم حوزه شهری در حال تشکیل و تکوین بود و بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ آمریکا، مانند جنرال موتورز، استاندارد اوایل، فورد موتور و... در شمار ده شرکت نخست آمریکا قرار گرفتند. بروز جنگ سرد بین آمریکا و شوروی سبب رشد قدرت نظامی، به وجود آمدن ارتشی دائمی و بزرگ در آمریکا شد. اما این اوضاع و احوال با جنگ ویتنام دگرگون شد. آمریکا هیچ وقت نتوانسته است مانند گذشته برتری نیروی خود را در کشمکش‌های خارجی، حفظ کند.

### افول ثبات و موازنه

امروز تعداد بسیار زیادی از شرکت‌های تجاری آمریکا آن وفاداری و همبستگی



قدیمی و ملی را که به ایالات متحده داشتند، ندارند. بازیگران سیاسی، برای آنکه قدرت خود را حفظ کنند، به صاحبان ثروت و شرکت‌ها و رسانه‌های ملی و محلی پیوسته‌اند. روح و وفاداری و میهن‌پرستی که مدت‌ها در سطح جامعه و مدارس، تبلیغ و ترویج می‌شد، بر اثر جنگ‌های ویتنام، عراق، افغانستان و بطور کلی دخالت‌های نامشروع نظامی آمریکا در مناطق مختلف دنیا تا حدودی کم شده است. رضایت عمومی و اعتماد مردم به حوزه‌های دولتی از جمله کنگره آمریکا، کاخ سفید و نظام قضایی نیز روند نزولی دارد.

### صاحبان قدرت

قدرتمندان کسانی هستند که می‌توانند به رغم مخالفت دیگران، خواسته‌ها و اهداف خود را تحقق بخشند. چند سال قبل در یک میزگرد در سازمان ملل از سردبیر روزنامه نیویورک‌تایمز پرسیدم چه عاملی بیش از همه در پوشش اخبار، نوع مقاله‌ها و نویسندگان روزنامه نیویورک‌تایمز تأثیرگذار است؟ او بی‌درنگ جواب داد: قدرت.

منابع سرشار طبیعی و مصون ماندن از دخالت دیگر کشورها، فرصت مناسبی را به مردم آمریکا، به ویژه نخبگان آن کشور داد تا با آسودگی بر مشکلات خود غلبه کرده و در کمترین مدت، امریکای روستایی را به یک نظام و کشور صنعتی تبدیل کنند. اما از کمبود نخبگان حکمت رنج می‌برد. امریکایی‌ها به سختی می‌توانند نام فیلسوفان، شعرا، هنرمندان، استادان و متفکران غیر اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را به یاد آورند.

### بارون‌های دزد و زورگیر

از دیدگاه گوستاو مایرز ثروتمندان بزرگ همچون ملخ‌های گرسنه بر روی ثروت جامعه نشستند و جا خوش کردند. و قوانین تملک تدریجی اموال



و همچنین امتیازهای مالیاتی به بسیاری از ثروتمندان آمریکا اجازه داد تا به گسترش امکانات مالی و اقتصادی خود همت گمارند. به طور کلی از زمان جنگ‌های داخلی یعنی از دهه ۱۸۶۰م. تا امروز، نسبت اشخاص بسیار ثروتمندی که از طبقه‌های کارگر، مغازه‌دار، کارمندان اداری یا حقوق‌بگیر ظهور کرده باشند، پی در پی کاهش یافته و هم‌اکنون نیز این امکان به کلی از میان رفته است.

### دایره انحصاری ثروتمندان

در خارج و در داخل آمریکا چنین جلوه داده می‌شود که ابتکار فردی همراه با آزادی و منابع خدادادی، طبقه ثروتمندان را ایجاد کرده است ولی اینکه چنین فرصت‌هایی در چه شرایط جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نژادی و نظامی برای این افراد بوجود آمده، کمتر مطرح می‌شود. ثبات طولانی آمریکا به عنوان یک سیستم سیاسی دور از تجاوز دیگران از یک سو و تجاوز به حقوق دیگران از سوی دیگر، شرایط بنیادینی برای تحقق این فرصت‌ها بود. اختراع فناوری‌های اطلاعاتی عامل مهم و برجسته دیگری بود. افزون بر آن مهاجرت میلیون‌ها انسان مبتکر این جریان را تا امروز سرعت بخشیده است. آمریکا جامعه‌ای است که در آن پول، قدرت و ثروت حرف اول را می‌زند.

### قدرت، در دست نظامیان

معمولاً فرض بر این است که استقرار صلح و آرامش یکی از اهداف نظامیان و ارتش آمریکا است، در حالی که پس از سال ۱۷۷۶، ارتش ایالات متحده بیش از هر ارتش دیگری در دنیا به وسیله فتوحات نظامی محض، سرزمین‌ها



را به تصرف خود درآورده است. تفنگ در آمریکا یک سلاح مهم سیاسی، اجتماعی، و نظامی تلقی شده و هر فردی نماد یک تفنگ و یا یک رأی است. جنگ‌های داخلی آمریکا نمونه وسیعی از این روان‌شناسی اجتماعی جامعه و نظام آمریکا بود.

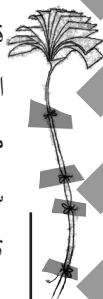
### فراموشی رجعت ابدی

هیچ کدام از جنگ‌های ویتنام، کره، افغانستان، عراق و... نه تنها سودی برای آنها نداشته است، بلکه بر سست شدن پایه‌های امنیت جهانی افزوده است. چرا این وضع بوجود آمده است؟ پاسخ چندان دشوار نیست. اکثر ما اعتقاد به رجعت ابدی را فراموش کرده‌ایم. امروزه ابزار و تسهیلات قدرت، فزونی یافته، اما در مقابل، ذخایر اخلاق و وجدان در سطح بین‌المللی کاهش یافته است.

### صنایع فرهنگی و رسانه‌ها

#### فرهنگ، فراتر از وزارتخانه

در نظام و دولت ایالات متحده آمریکا وزارتخانه‌ای به نام وزارت فرهنگ یا چیزی به نام قانون رسانه‌ها دیده نمی‌شود. کمیسیون ارتباطات فدرال (FCC) تنها استثنا در این زمینه است. امریکایی‌ها به گمان خود فرهنگ را بسی مهم‌تر و بزرگتر از آن می‌دانند که تشکیلاتی در حد یک وزارتخانه قادر به پیگیری امور آن باشد. فرهنگ آمریکا یک فرهنگ سرمایه‌داری است. رسانه به منزله یک کالا به بازار ارائه می‌شود و این مشتریان یا مخاطبان هستند که باید آن را انتخاب کنند. همچنین هرگونه تخلف از سوی رسانه‌ها و صنایع فرهنگی، براساس قوانین مدنی، کیفری و جنایی تعقیب می‌شود.



## آزادی بیان

تصویب لایحه ضد فتنه و آشوبگری در ۱۷۹۸ به طور آشکار و صریح، ماده مربوط به آزادی بیان و مطبوعات را نقض کرد. بسیاری از امریکایی‌ها بدنبال این لایحه به علت انتقاد و مخالفت با دولت، روانه زندان شدند. تصویب لایحه مربوط به فتنه‌انگیزی و آشوبگری (در نتیجه انقلاب فرانسه و قیام ایرلندیها) بر دو اصل مهم تأکید کرد: نخست اینکه در آمریکا آزادی مطلق بیان و مطبوعات وجود ندارد و در این مورد حفظ و حراست نظام به آزادی‌هایی از این دست اولویت و ارجحیت پیدا می‌کند. دیگر اینکه سانسور نکردن و محدودیت قبل از انتشار پیام، رسانه و سخن‌پراکنی فردی و گروهی که از قوانین و سنت آمریکا بوده است در موارد مخصوص و ویژه عمل نیست. امروز آمریکا با داشتن بزرگترین و وسیع‌ترین صنایع فرهنگی دنیا، در زمینه‌های تجاری و صادرات به دیگر نقاط جهان در داخل نظام خود با سه مشکل اساسی و کیفی مواجه است:

۱. نبود تنوع و کیفیت مطلوب و سالم در مطبوعات و رسانه‌ها و به طور کلی صنایع فرهنگی از جمله تئاتر و سینما
۲. تمرکز مطبوعات، رسانه‌ها و صنایع فرهنگی در دست یک گروه مشخص و در انحصار تعدادی از بنگاه‌ها و مؤسسه‌هایی غول‌آسای بازرگانی با ارزش‌های ویژه سرمایه‌داری
۳. کمبود آزادی مخاطبان و مصرف‌کنندگان در اظهار نظر پیامون مسائل و مشکلات جامعه و خواسته‌های خود و ناتوانی آنها در ورود به صحنه رسانه‌ای مطبوعات و صنایع فرهنگی

## صنایع فرهنگی و قدرت نرم

صنایع فرهنگی آمریکا یکی از مراکز مهم قدرت نرم آن کشور است.



از جمله صنایعی مانند: اینترنت، لوازم و ابزارهای اطلاعاتی، ارتباطی و تفریحی، الکترونیکی و دیجیتال. که از ابزار مهم سیاست خارجی است و برای براندازی انقلاب‌های مخملی و کودتاهای نرم استفاده شده است.

### هماهنگی قدرت و نخبگان

وقتی خانم کاترین گرام ناشر تشکیلات عظیم زنجیره‌ای واشنگتن پست و نیوزویک درگذشت، پرچم آمریکا نیم‌افراشته شد. او نمونه طبقه اشراف سیاسی و اقتصادی آمریکا بود. آزادی مطبوعات تنها برای کسانی تضمین شده که مالک آن مطبوعات هستند. آریستوکراسی و اشرافیت آمریکا، برعکس اروپا، موروثی نیست، بلکه اکتسابی مالی است ولی مانند اروپا و سایر نظام‌های سرمایه‌داری، حاصل یک سلسله باندهایی است که در مرکز آن ثروت، قدرت، رقابت و حتی قساوت وجود دارد.

### آمریکا به مثابه امپراتوری

امروز ناسیونالیسم و امپراتوری، دو واژه‌ای است که آمریکایی‌ها همیشه از استعمال آن برای مملکت خود پرهیز دارند؛ زیرا هر دو واژه برای آمریکا که از ملیت‌های مختلف تشکیل شده است، جنبه منفی دارد. ابرقدرت یا کشور شماره یک، دو عنوان مورد استفاده نخبگان و مردم عادی آمریکاست. عنوان نخست، بیشتر بین رهبران سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای آمریکا کاربرد دارد؛ و دومین عنوان بیشتر میان شهروندان، معمول است.

### واشنگتن پست و شبکه قدرت

مطالعه و تحقیقات علمی که در نیم قرن اخیر درباره نقش مطبوعات و رسانه‌های آمریکا نشان داده است که همفکری بین نخبگان سیاسی و اقتصادی



امریکا و نخبگان مطبوعاتی و رسانه‌های آن کشور یکی از ویژگی‌های برجسته نظام امریکاست. مطبوعات و رسانه‌های این کشور، بهترین مروج سیاست جهانی امریکا در سطح بین‌المللی بوده و نقش مهمی در نفوذ و دخالت این ابرقدرت در نظام‌ها و جوامع کشورهای مختلف برعهده دارند. من به عنوان یک شهروند واشنگتن به مدت بیش از چهل سال در یکی از دانشگاه‌های آن در سمت استاد روابط بین‌الملل تدریس نموده و از نزدیک شاهد تغییر و تحولات مؤسسه واشنگتن پست بوده‌ام. در امریکا مؤسسه‌ها و رسانه‌های توقیف نمی‌شوند، بلکه به تدریج و به علت عوامل اقتصادی می‌میرند.

### آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در امریکا با آزادی ناشران، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و صاحبان شرکت‌های بازرگانی در بیان و انتشار عقاید و اخبار مورد نظر، مترادف است. زیرساخت عملی مطبوعات، رسانه‌ها و صنایع فرهنگی امریکا را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد. به جز قسمت بسیار کوچکی از رسانه‌ها و صنایع فرهنگی امریکا که از سوی فرقه‌های مذهبی، مراکز و مؤسسه‌های فرهنگی و سیاسی ویژه، حمایت می‌شود، تمامی رسانه‌ها و صنایع فرهنگی آن کشور همگی بر مبنای کسب سود و با تکیه بر معادله‌ها و فرمول‌های تجاری، بازرگانی و مالی اداره می‌شوند. ناسالم بودن و بی‌سامانی فرهنگی و رسانه‌ای امریکا، سال‌هاست که در حال تکوین بوده و ادامه دارد.

هدف اصلی مطبوعات و رسانه‌های امریکا سوداگری است و شرکت‌های مطبوعاتی، بنگاه‌های سخن‌پراکنی، رسانه‌ها و صنایع فرهنگی به تولیدات خود به عنوان یک کالای مصرفی می‌نگرند، ولی در وصول به این هدف، مطبوعات و رسانه‌های امریکا سه نقش مهم اجتماعی را ایفا می‌کنند:

۱. تبلیغ و حمایت نظام، اشاعه و ترویج سیاسی ارزش‌ها و دفاع از آن



۲. آمادگی مردم به همراه اطلاع رسانی و آگاهی در امور مصرفی و اقتصادی سرمایه داری

۳. صرف بیشتر وقت مردم با برنامه های خود برای حصول به دو کارکرد اولی امروز نظام امریکا نیازمند حضور یک مقام ملی مستقل و معتبر است که اقتدار معنوی و مشروعیت سیاسی داشته و در اختلاف ها و درگیری های احزاب و جناح ها میانجیگری کند.

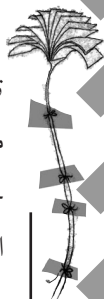
### تسلط صهیونیست ها بر رسانه ها

بسیاری از رسانه های امریکا را صهیونیست ها اداره می کنند و قسمت بزرگی از مطبوعات، رادیو - تلویزیون، سینما و تئاتر امریکا در مالکیت یهودیان و صهیونیست ها قرار دارد سال ۱۹۵۴ سازمان اپیک با نام شورای صهیونیستی - امریکایی در امور عمومی تأسیس شد کنگره یهودی امریکایی هم از سازمان های دیگر یهودی و صهیونیستی در امریکاست. سازمان دیگر، کمیته یهودی امریکا است. نفوذ یهودیان و صهیونیست ها در صحنه هنر، سینما و تئاتر نیز بسیار محسوس است.

### نمایی از مطبوعات مهم امریکا

تعداد روزنامه های روزانه و مجله های هفتگی امریکا در مجموع حدود ۳۷۰۰ و تعداد نشریه ها و مجله ها ماهانه به حدود ۳۳۰۰ عنوان می رسد. از مجموع ۱۴۰۰ روزنامه روزانه امریکا فقط چند نشریه مانند وال استریت، نیویورک تایمز، یو.اس.آ به طور ملی و سراسری در کشور چاپ، منتشر و توزیع می شوند و شمارگان بقیه روزنامه ها، ایالتی، شهری و محلی است.

حیطه فعالیت بیشتر مطبوعات و رسانه ها به لیبرال ها و محافظه کاران مربوط است و تعداد محدودی از نشریه های عقیدتی و سیاسی امریکا نیز به جناح های





افراطی و چپ تعلق دارد. افزون بر اینها، در ایالات متحده حدود ۲۶۰۰ ایستگاه تلویزیونی و ۸۱۰۰ ایستگاه رادیویی در سطح ایالتی و محلی فعالیت می‌کنند. آزادی و کنترل بیان

### صنایع فرهنگی به مثابه سانسورچی

کنترل و سانسور در مطبوعات آمریکا بیشتر به دست افراد، گروهها، سازمان‌های غیردولتی و نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه صورت می‌گیرد و دخالت مستقیم دولت را همراه ندارد. وجه غالب این کنترل، مجهول باقی مانده و نامرئی بنظر می‌رسد به یکی از پرتنگناترین، باریک‌ترین، بسته‌ترین و انحصاری‌ترین نظام‌های اطلاع‌رسانی جهان تبدیل شده است.

البته در آمریکا مطبوعات و رسانه‌هایی وجود دارد که سیاست‌های نظام را به چالش بطلبد؛ اما تولید و توزیع این رسانه‌ها محدود و در حاشیه قرار دارد. ویژگی‌های برنامه آموزشی و فرهنگی رادیو - تلویزیون آمریکا از جنبه ادراکی، سیاسی و اقتصادی را می‌توان اینگونه خلاصه و جمع‌بندی کرد:

۱. برنامه‌هایی که ابعاد سوداگری و تشویق مردم به خرید بیشتر از احتیاج خود را نداشته باشد، بیشتر به طور اتوماتیک از رسانه‌ها سانسور می‌شود، زیرا حامی و پشتیبان آگهی‌دهنده ندارد.

۲. برنامه‌های رادیو - تلویزیونی، اگر حمایت مالی بنگاه‌های تجاری را نداشته باشد، به رسانه‌ها راه نمی‌یابد.

۳. بودجه برنامه‌های خبری و گزارش‌های مستند تاریخی، بیشتر بوسیله آگهی‌ها تأمین می‌شود.

۴. گزارش‌های رسانه‌ها باید با ارزش‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا مطابقت

۵. کنترل مطبوعات به دست دلالان سیاسی، اقتصادی، و احزاب و اقلیت‌های



ویژه مانند صهیونیست‌هاست.

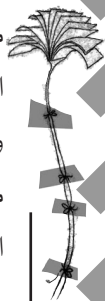
### نمونه‌هایی از سانسور

چند هفته قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر، مشاور امنیت آمریکا اظهار داشت که از پخش پیام‌های ویدئویی اسامه بن لادن به علل حفظ امنیت ملی خودداری کنند. سخنگوی کاخ سفید نیز درخواست نمود که تمام امریکایی‌ها مواظب صحبت‌ها و گفتارهای خود باشند.» سانسور اطلاعات و کنترل مطبوعات و رسانه‌ها پس از جنگ ویتنام بیش از پیش متداول شد. جنگ خلیج فارس بازتاب وسیعی در رسانه‌ها داشت درحالی که جنگ عراق علیه ایران که یک دهه قبل از آن صورت گرفت در رسانه‌های غربی کمترین پوشش را به آن دادند و به نام جنگ فراموش شده در آمریکا معروف شد.

### علم کنترل و فشار

در آمریکا علم اطلاعات و ارتباطات از یک منظر، علم زور و فشار و ترس است؛ علمی است که با کنترل مغزها و با مدیریت سازمان‌ها سروکار دارد. اصطلاح پروپاگاندا یا تبلیغ، در غرب به یک وسیله منفی و ناپسند تبدیل شده است که هدف آن فریب افراد و گروه‌هاست. این روش جنگ اعصاب یا جنگ روانی در جنگ‌های جهانی اول و دوم به اندازه‌ای توسعه پیدا کرد که پس از مدتی، اکنون مبارزه با پروپاگاندا یک نوع روش پروپاگاندا محسوب می‌شود.

امروز کمتر کسی از هویت منابع و اشخاصی که در پشت پرده برای روزنامه‌ها و رسانه‌های زنجیره‌ای آمریکا کار می‌کنند، اطلاع دارد. اسکان کاتلیپ در یک مطالعه پژوهشی، نشان داد که ۴۰ درصد از محتوای رسانه‌های آمریکا، از سوی اداره‌ها و بنگاه‌های روابط عمومی دولتی تهیه و منتشر می‌شود. در سال ۱۹۸۰



فصلنامه دانشگاه کلمبیا به این نتیجه رسید که افزون بر نیمی از اخبار منتشر شده در روزنامه همان گزارش و اخبار تهیه شده در روابط عمومی شرکت‌ها، اداره‌ها و بنگاه‌های مالی و دولتی بوده است، ولی هویت نویسنده «گزارشگر و خبرنگار وال استریت ژورنال» ذکر شده است.

### رسانه‌ها و دیپلماسی عمومی

در چند دهه اخیر، تولید، پخش و توزیع فیلم‌های جنگی، بویژه جنگ دوم جهانی، جنگ ویتنام، جنگ‌های عراق و افغانستان در رسانه‌ها افزایش یافته افزون بر این وزارت خارجه ایالات متحده اقدام به تأسیس معاونت جدیدی به نام دیپلماسی عمومی کرد. هدف اصلی این معاونت استفاده از روش‌های آگهی، بازاریابی، روابط عمومی و پروپاگاندا برای ترسیم هرچه بهتر و بیشتر سیاست خارجی ایالات متحده است. ۸۰ درصد کارشناسان جنگ، تروریسم تلویزیون‌های آمریکا از نظامیان، ژنرال‌های بازنشسته و یا مأموران اطلاعاتی و امنیتی هستند.

### مثال‌های دیگری از سانسور

در ژانویه ۲۰۰۱ یک روزنامه‌نگار مقاله‌ای که در آن سیاست رژیم اسرائیل نقد شده بود را منتشر کرد، بلافاصله از کار برکنار و خبر عزل او فقط از اینترنت پخش شد. مایکل لویز کلدرون به علت شکایت‌هایی که از خارج درباره نوشته‌های او شده بود، از شغل معلمی برکنار شد. این شکایت‌ها درباره روش تدریس نبود، بلکه درباره انتقاد از اسرائیل بود.

سال ۱۹۹۳م. وقتی قرارداد تجارت آزاد امریکای شمالی معروف به نفتا، امضا شد، نیویورک تایمز از چاپ آگهی‌های مخالف قرارداد خودداری کرد. از انتشار مقالات مرتبط با انقلاب ایران، اوضاع کنونی بین‌المللی، جنگ عراق



علیه ایران و موضوع‌های مشابه که با دیدگاهها دولت آمریکا تفاوت دارد ممانعت می‌شود.

## امریکا به کجا می‌رود؟ تناقض‌های نظام سرمایه‌داری

درست است که آمریکا از جنبه فیزیکی کشوری پیشرفته است. ولی در داخل این جلد ظاهری، کالبد باطنی آمریکا نهفته است که نمی‌توان آن را به آسانی این جلد ظاهری احساس کرد. براساس آمار رسمی دولتی، تعداد اشخاص بالغی که در زندان‌ها و بازداشتگاههای آمریکا به سر می‌برند به ۶ میلیون و ۴۷۰ هزار نفر رسیده است. به عبارت دیگر از هر ۳۲ نفر آمریکایی یک نفر در زندان یا دارالتأدیب است. از این عده ۳۰ درصد یا حدود دو میلیون نفر حق خروج از زندان ندارند.

چه الگوی اصلاحاتی و تقلیدی را می‌توان از چنین جامعه‌ای انتظار داشت؟ آزادی‌های فردی و آزادی‌های اجتماعی در این شرایط چه مفهومی دارد؟ آمریکا در بین کشورهای صنعتی دنیا بزرگترین رقم ترابری و حمل و نقل شخصی و کمترین وسایل رفاه عمومی مانند اتوبوسرانی، خطوط راه‌آهن شهری و سراسری را داراست. بیش از ۵۰ میلیون آمریکایی، فاقد بیمه‌های بهداشتی هستند و ۱۳ درصد جمعیت آمریکا، براساس آمار دولت فدرال، زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

## زندگی در سایه جنگ و خشونت

در طول تاریخ ایالات متحده آمریکا همواره پیوندی ناگسستنی بین جنگ، حکومت و نظام وجود داشته است.

جامعه آمریکا یک جامعه جنگی است و دقیقاً شکست در جنگ، شکست



جامعه را نیز در پی دارد. جنگ ویتنام، جنگ عراق، جنگ افغانستان و... گویای این واقعیت است. هزینه‌های مالی، جانی، انسانی، وجدانی و معنوی این جنگ‌ها و تناقض‌های حاصل از آن، یکی از علل اصلی افول امپراتوری آمریکا خواهد بود؛ افولی که از هم‌اکنون آغاز شده است.

یکی از روشنفکران به نام والتر لپمن عقیده داشت که بیشتر مردم جامعه در دنیای غرب و بویژه در آمریکا یک «گله گیج شده» است که می‌تواند از سوی یک گروه مشخص نخبه که در آن واحد بیدار و آماده‌اند، هدایت شود.

خشونت، و جنایت یکی از بزرگترین بحران‌های اجتماعی داخلی امریکاست. در کارخانه‌های اسلحه‌سازی این کشور در هر پنج و نیم ثانیه، یک هفت تیر یا تفنگ تولید می‌شود و هر چهار دقیقه یک نفر بر اثر جنایت و خشونت، جان خود را از دست می‌دهد. علل افزایش پرخاشجویی و جنایت در آمریکا پیچیده است، ولی ریشه‌های آن را می‌توان در عوامل زیر خلاصه کرد:

۱. دسترسی آزادی به سلاح‌های دستی و تولید، توزیع، فروش و خرید آسان آن
۲. تنزل نهادهای اجتماعی و اخلاقی، از جمله فروپاشی نظام خانواده
۳. توجه به سلاح‌های دستی به عنوان نمود قدرت و آزادی فردی
۴. توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی و مادیات
۵. تنزل اوضاع اقتصادی، افزایش بیکاران، فقر و مسائل نژادی
۶. گسترش و استعمال مواد مخدر و معامله‌ها و اختلاف‌های حاصل از آن
۷. خشونت بی‌حد و حصر در برنامه‌های رسانه‌ها، از جمله: تلویزیون، سینما و صنایع تفریحی
۸. مشکلات نظام دادخواهی و قضایی



## کالیفرنیا، تابلویی از تناقض‌ها

امروزه ایالت کالیفرنیا، پرجمعیت‌ترین ایالت آمریکا، بیشترین زندانیان را در سراسر کشور دارد تعداد نگهبانان زندان‌های کالیفرنیا ۲۵ درصد بیشتر از عده معلمان مدارس این ایالت است. این ایالت با آب و هوای مطبوع، یکی از پرتناقض‌ترین مرکز تمدن و سرمایه‌داری آمریکاست. مرکز تولید فیلم و فرهنگ مبتذل آمریکاست. بیشتر صنایع فرهنگی و تفریحی آمریکا از پارک دیزنی گرفته تا نرم‌افزارهای رایانه‌ای در این ایالت متمرکز است. در عین حال کالیفرنیا جایگاه برخی از بهترین دانشگاهها و موسسه‌های علمی و صنعتی آمریکاست.

## استقلال فردی

در جامعه آمریکا فردگرایی یک خصلت نیک و یک صفت مطلوب و حتی بافضیلت محسوب می‌شود. از این جهت آمریکایی‌ها ارزش‌های مسیحی پروتستانی، بویژه گروه کلونیست‌ها را به میراث برده‌اند؛ ارزش‌هایی که در آن ثروتمندان بزرگ بوده و فقرا، کودکان وابسته به دیگران حساب می‌شوند. مفهوم جامعه در محیط آمریکا همیشه به مصداق اجتماع، محله و همسایه بوده است و نه الزاماً شکل بزرگ و جامعه ملی و فردگرایی به خوبی در فیلم‌های کابویی، پلیسی و کارآگاهی آمریکا مشهود است. در آمریکا این فردگرایی با مسئولیت اجتماعی و توافق عمومی در تعارض است.

فرهنگ و روانشناسی فردگرایی همراه با شیوه‌های ترویج شده بازاریابی و آگهی، یک محیط و لخرجی فراسوی توانایی مالی و فکری برای شهروندان آمریکا ایجاد کرده است.

به طور متوسط یک دقیقه از هر سه دقیقه برنامه به آگهی اختصاص داده شده است. و نه تنها مصرف‌گرایی را آسان و ترویج داده، بلکه باعث بحران مالی و



اعتباری موسسه‌های مالی و بانکی شده است. آمریکا این الگوی مصرف‌گرایی را به خارج از مرزهای خود نیز صادر می‌کند.

### فراز و فرود قدرت

علل افول امپراتوری آمریکا را می‌توان در سه عامل اصلی خلاصه و بیان کرد:

۱. طمع ۲. ترس ۳. جهالت

میزان آسیب‌پذیری هر سیستم با کیفیت و کمیت این سه عامل در طول زمان و مکان و با درجه تذهیب نفس هر سیستم متغیر بوده و ارتباط کامل دارد. طمع به عنوان انگیزه اصلی در توسعه، بویژه توسعه اقتصادی، پیشرفت فردی و سازمانی و ترس از دیگران، ترس از خود، ترس به عنوان یک عامل وحدت، ترس از کمونیسیم، اسلام، تروریسم، سقوط بورس و ترس از کمبود انرژی، وجهالت و ناآگاهی از فرهنگ دیگران، جهالت و غرور، پائین بودن سطح دانش و فرهنگ عمومی، کیفیت نامطلوب آموزش و پرورش تعصب‌های دینی و نژادی بی‌توجهی به شعر، ادبیات و فلسفه. طمع، ترس و جهالت مثلث بحران امروز آمریکا را تشکیل می‌دهد.

### طمع و مسئله انرژی

امروز آمریکا یک چهارم یا ۲۵ درصد انرژی کل دنیا را مصرف می‌کند، درحالی که فقط مالک ۵ درصد منابع انرژی جهان است. آمریکایی‌ها به طور متوسط دو برابر اروپا و ژاپن انرژی مصرف می‌کنند و استفاده یک فرد آمریکایی از انرژی و محصول نفت ده برابر افراد دیگر در دنیا است. از ۵۲۰ میلیون خودروی سواری در دنیا ۲۰۰ میلیون آنها متعلق به آمریکایی‌هاست و افزایش تعداد خودرو در آمریکا پنج برابر افزایش سالیانه کل جمعیت دنیا است و تعجب اینجاست مصرف‌گرایی و جهالت مصرف‌کنندگان از سوی دیگران



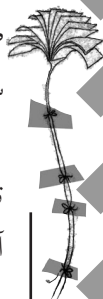
تقلید می‌شود.

تولیدات داخلی نفت آمریکا از دهه ۱۹۷۰ روند نزولی را طی کرده است. توجه کنید که صیانت امپراتوری هلند در قرن هفدهم و هجدهم بر مبنای تسلط و مالکیت آن کشور بر قدرت آب و باد دنیا بود. امپراتوری انگلیس تا جنگ جهانی اول بر انرژی تولید شده از معادن زغال تکیه کرد و آنگاه که این منابع طبیعی کفایت نگاهداری ۶۰۰۰ کشتی تجاری و نظامی هلند را نداشت و انگلیسی‌ها نیز برای جایگزین کردن منابع انرژی خود از زغال به نفت، دیر جنیبیدند، هردو امپراتوری فلج شد و زیرساخت‌های آن آسیب دید.

در دو دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ از هفت کمپانی بزرگ بین‌المللی و دنیا پنج واحد آن به آمریکا تعلق داشت. نقل و انتقال و رفت و آمد افراد به جز در شهرهای بسیار بزرگ برای شهروندان آمریکایی بدون داشتن خودروی شخصی غیرممکن است؛ زیرا بیشتر شهرها و تمام نواحی کشاورزی آمریکا فاقد یک سیستم نقل و انتقال و ترابی عمومی است. هر اندازه وابستگی آمریکایی‌ها به منابع انرژی و نفت افزایش می‌یابد، ترس و وحشت آنها به ادامه یک زندگی معمولی در آینده زیاد می‌شود.

در حال حاضر برای اولین بار فروش خودروهای کمپانی‌های ژاپنی و خارجی در آمریکا بیشتر از خودروهای ساخت آمریکا است. برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ بود که کمپانی‌های ژاپنی در فروش خودرو از جنرال موتورز آمریکایی جلو افتادند.

طمع یک عارضه فرهنگی و ملی آمریکاست که در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی آن رسوخ کرده است. امپراتوری انگلیس در دهه‌های بین ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ هنگامی روند نزولی را طی می‌کرد که اشتها و طمع آن برای تسلط بر چاههای نفت افزایش یافته بود، ولی هنوز ۸۰ درصد سوخت داخلی آن از زغال سنگ تأمین می‌شد.





در سال‌های آینده با ادامه دخالت‌های نظامی آمریکا در دنیا، سه اتفاق مهم می‌تواند کمر اقتصاد امپراتوری ایالات متحده را بشکند: افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، گذار و انتقال دلار آمریکایی به یوروی اروپایی در معامله‌های بین‌المللی و انرژی به عنوان واحد پول بین‌المللی و تزلزل بازار در مقابله با چهار تریلیون بدهی‌های بین‌المللی آمریکا که روزانه در حال افزایش است.

عامل طمع، امپراتوری آمریکا را در مدت یک قرن از اختیار کامل به وابستگی کشانده است.

هزینه‌های زیاد نظامی و پراکندگی بی‌حد و اندازه قوای زمینی، دریایی و هوایی آمریکا در قاره‌های مختلف، باعث شده است که بدهی و وام دولتی (یا به عبارت ساده‌تر ملی) آمریکا به بیش از چهار تریلیون دلار برسد که در تاریخ این کشور بی‌سابقه است.

رقابت انگلستان و آمریکا برای دسترسی به منابع نفت خاورمیانه از سال ۱۹۲۱ شروع شده بود.

امپراتوری آمریکا در سی سال اخیر با شکست در ویتنام، رسوایی واترگیت، انقلاب اسلامی ایران، بن‌بست و شکست در جنگ عراق و شکست‌هایی که به تازگی به اسرائیل و متفقین واشنگتن رسیده است، صدمه‌های بسیار بزرگی را تحمل کرده است. ائتلاف بخش نفت و انرژی؛ صنایع خودرو، ترابری، نظامی و امنیتی کاخ سفید را در هفت سال گذشته بیش از هر زمان دیگر به حرکت درآورده است.

امروز هژمونی نفت، انرژی و گاز طبیعی یا هر چیز دیگری که برای منافع ملی اهمیت دارد، مستلزم در اختیار داشتن و استفاده از حوزه‌های نفت و انرژی است و این، گره پیچیده آمریکا شده است. امنیت انرژی همان چیزی است که قدرت جدید اقتصادی دنیا یعنی چین را نیز نگران کرده است.



## ترس

ایالات متحده آمریکا در تاریخ کوتاه خود بیش از هر کشور دیگر هم خود را ترسانده و هم سعی کرده است دیگران را بترساند. عامل ترس در آمریکا تنها سیاسی و اقتصادی نیست. ترس زاویه مهمی از امور فردی و اجتماعی آمریکایی‌ها را تشکیل می‌دهد. ترس از سالخوردگی و پیر شدن، ترس از مرگ، ترس از بی‌پولی و ورشکسته شدن، ترس از راه رفتن و قدم زدن در خیابان و کوچه، ترس از حمله در پارک‌ها، مدارس و اماکن عمومی، جزئی از مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و ارتباط‌شناسی آمریکا است و در این اواخر تشدید شده است.

دانشگاه پرینستون سال ۲۰۰۸ رسماً اعلام کرد بورس پژوهشی ویژه‌ای برای بررسی و مطالعه ترس تأسیس کرده است. هدف اصلی این پروژه، مطالعه در تاریخ ترس و بررسی تولید، اشاعه و آثار آن در افراد و جامعه آمریکا است.

## جهالت

جهل در اینجا به عنوان فقدان و کمبود اطلاعات و دانش در آمریکا نیست، بلکه کوتاهی در استفاده مفید اطلاعات و دانش است و ما آن را فقدان فضیلت و حکمت در سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌خوانیم. جنگ تخیلی آمریکا در عراق که بر صفحه‌های مطبوعات، تصاویر تلویزیون و ماهواره‌ها به نمایش درآمد، با جنگ واقعی که در داخل عراق صورت می‌گرفت، دو چیز بسیار متفاوت بود. آمریکایی‌ها اکنون آنچه نمی‌دانستند و از آنها پنهان نگاه داشته شده بود، می‌دانند.

تکذیب حقایق، فقدان شجاعت در مقابل واقعیت‌های تاریخی و دوپهلوی صحبت کردن، همیشه نشان ضعف امپراتوری‌هاست. به عبارت دیگر، آمریکا در نبرد و اشغال بغداد موفق بود، ولی در جنگ و اداره اشغال آن شکست خورده

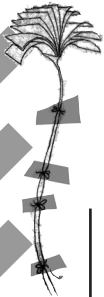


است. در تسخیر بغداد و خاک عراق و براندازی رژیم صدام، امریکایی‌ها صد و چهل نفر تلفات دادند، ولی تعداد کشته‌شدگان در ارتش امریکا پس از اشغالگری اکنون از مرز چهار هزار نفر گذشته است و تعداد مجروحان ارتش ایالات متحده افزون بر پنجاه هزار نفر است. روزنامه واشنگتن پست تعداد کشته‌شدگان عراقی این جنگ را تا امروز سی و پنج هزار نفر تخمین زده است. بهداری عراق، سال گذشته تعداد تلفات عراقی‌ها را صد و پنجاه هزار نفر اعلام کرد.

حدود شش ماه قبل از آغاز حمله‌های نظامی امریکا به عراق، در کارگاهی که بنیاد فرهنگی غرب شناسی تهران تشکیل شد، ما دقیقاً پیش‌بینی کردیم که نه تنها امریکا به عراق حمله خواهد کرد، بلکه بالاتر از همه، از پس این حمله، عراق دچار هرج و مرجی بزرگ خواهد شد و نیز یادآوری کردیم که این جنگ طولانی بوده و ثبات سیاسی عراق را تهدید خواهد کرد.

### رکود اقتصادی، هر ۶ سال یکبار

رکود اقتصادی امریکا از سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ م. شروع شد، ولی دولت و بانک مرکزی امریکا (فدرال رزرو) این بحران را در اواخر سال ۲۰۰۸ م. اعلام کرد. همیشه یک فاصله ۳ تا ۶ ماهه بین رخداد های اقتصادی و اعلام رسمی آن وجود نداشت. تاریخ معاصر امریکا نشان می‌دهد ایالات متحده به طور متوسط هر شش سال یکبار دچار رکود و بحران اقتصادی شده است. به اعتقاد برخی کارشناسان خوش‌بین، سیستم‌های جدید اقتصادی مثل چین و هند، به امریکا کمک خواهد کرد. رکود اقتصادی امریکا تأثیر بسیاری در صادرات کشورهای مثل چین خواهد گذاشت و شاید باعث شود رشد اقتصادی چین و هند و کشورهای دیگر، تنزل یابد.



در ۱۸ ژانویه سال ۲۰۰۸ وزیر خزانهداری آمریکا اظهار داشت: «در بلندمدت اساس و بنیاد اقتصاد (آمریکا) محکم است و من باور دارم اقتصاد کشور رشد خواهد کرد. در سپتامبر سال ۲۰۰۸ خورشید اقتصاد آمریکا غروب کرد. مردم از خواب بیدار شدند و شنیدند که بانک‌های بزرگ و قدیمی سرمایه‌گذار و مؤسسه‌های غول‌آسای مالی، رهنی و بیمه‌ای آمریکا ورشکست شده‌اند. بهای بورس آمریکا ۴۰ درصد سقوط کرده و ارزش اوراق و سهام بورس‌های بزرگ دنیا به شکل چشمگیری کاهش یافت.

### انعکاس بحران

انعکاس بحران اقتصادی آمریکا در مطبوعات و رسانه‌ها و در میان نخبگان آمریکا و تأثیر آن در زندگی روزمره شهروندان، بسیار عمیق بود. نیویورک تایمز ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۸ از فقدان رهبری در کشور و از فروپاشی و آگاهی سیاسی و اقتصادی ناله کرد. به دنبال ورشکستگی‌های اخیر آمریکا، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی وال استریت حدود یک تریلیون دلار خسارت دیده است، ولی صدمه اصلی را مردم آمریکا دیده‌اند.

جریان بی‌حد و اندازه خصوصی کردن اقتصاد و فقدان نظارت دقیق دولت بر امور بانکی و مالی، از دلایل اساسی این ریخت‌وپاش‌های امروزی در آمریکا است. امروز با دولتی و ملی کردن بانک‌ها، اختصاص ۷۰۰ میلیارد دلار پول از بیت‌المال مردم و مالیات‌دهندگان و شهروندان آمریکایی، به نجات بانک‌ها و بنگاه‌های ورشکسته می‌رود. دولت آمریکا و وال استریت، مطمئن نیست از رکود اقتصادی عمیق آمریکا جلوگیری کند. بحران اقتصادی امروز آمریکا در مقایسه با بحران بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۳۰ م که دنیا را نیز فراگرفت - تنها مالی و بانکی نیست، بلکه ابعاد سیاسی، نظام و اجتماعی نیز دارد.



## تاوان امپراتوری

امپراتوری‌ها وقتی به یک سطح از گناه و ظلم می‌رسند، عاق می‌شوند. عاق شدن به اصطلاح عمومی، یک

نوع نفرین شده است. در اساطیر قدیم یکی از خدایان یونان باستان غسیس نام داشت. او هر عمل بد را با مواخذه و عذاب پاداش می‌داد. در کتاب‌های آسمانی نیز ملت‌ها و دولت‌ها و افراد بد و خوب همیشه پاداش می‌بینند.

«ذلک جزینهم بما کفروا و هل نجزی الا الکفور!» یعنی: «این کیفر را به علت کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز آن کس را که بسیار کفر می‌ورزد، کیفر می‌دهیم.» سالهاست از سوی کارشناسان و مدیران اطلاعاتی غرب به نام «ضربه بازگشت» شناخته شده است.

چالمرز جانسون، استاد بازنشسته کالیفرنیا به تازگی این فرضیه بازگشت را به آزمون گذاشته است. نشان می‌دهد افول قدرت، حیثیت اعتبار و پرستیژ آمریکا در سال‌های اخیر، نتیجه عملیات ظالمانه و سلطه‌گرانه آمریکا در قالب امپریالیسم ایالات متحده در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بوده است.

جانسون عقیده دارد امپراتوری آمریکا ضعیف شده و به دنبال تناقض‌های داخلی و خارجی از هم فروخواهد پاشید. جمهوری آمریکا از دیدگاه بسیاری از ناظران امروزی، به معنای تجزیه آن کشور و یا جنگ‌های داخلی و انهدام ایالات متحده نیست، بلکه به معنای افول این امپراتوری از مقام یک ابرقدرت مهم به مقام یک کشور و مملکت و قدرت معمولی است. از نظر جانسون و دیگران افول جمهوری (یعنی حکومت مردمی) به معنای افول دموکراسی و جایگزین شدن آن با یک نوع دیکتاتوری و اقتدارگرایی داخلی نظامی یا غیرنظامی است.

پایان امپراتوری روم هنگامی فرارسید که ژولیوس سزار، قیصر روم، این امپراتوری را بدون آنکه توانایی بیشتری داشته باشد به سرزمین‌های دور دست



بیشتری توسعه داد. خزانه و منابع مادی امپراتوری روم و قدرت معنوی و سیاسی آن توانایی انسجام و وحدت نظام را نداشت و سرانجام رفاه و اختیارات شهروندان روم از هم پاشید و این پایان امپراتوری روم به عنوان ابرقدرت روی زمین بود. امروز نیز وابستگی امریکا به سیستم و شبکه نظامی - اقتصادی که امور مالی نظام را در دست دارد و نیز کنترل افکار عمومی و آزادی‌های مدنی، که به بهانه حفظ امنیت داخلی و خارجی و مبارزه با تروریسم گسترش بیشتری پیدا کرده است، چنان فشار و تناقضی در خود نظام ایجاد کرده است که امریکا مانند امپراتوری روم یک مسیر سراسیمی را طی می‌کند. باراک اوباما نامزد حزب دموکرات و همفکران و نظریه پردازان او باید فراسوی مدیریت جدید فکر کنند. سوال مهم این است که آیا آنها قدرت فکری، توانایی سیاسی، اراده، عزم، فضیلت و حکمت این کار را دارند؟



کتاب نگار

